

## سازوکارهای دیپلماسی آکادمیک آمریکا در جذب دانشگاهیان ایرانی

(۱۳۵۷-۱۳۹۶)

(صفحات ۳۳ تا ۷۲)

محمد رضا دهشیری<sup>۱</sup> \* مهدی طاهری<sup>۲</sup>

پذیرش: ۹۵/۱۱/۰۱

دریافت: ۹۵/۰۷/۳۰

### چکیده

امروزه با بین‌المللی شدن آموزش عالی و نیز تسهیل ارتباطات جهانی ناشی از فرایند جهانی شدن، استفاده از ظرفیت‌های نظام آموزش عالی به‌مثابه ابزار تأثیرگذار در راستای کسب منافع ملی و قدرت نرم توسط کشورهای جهان به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، روزه‌روز بیشتر شده است؛ امری که از آن می‌توان به دیپلماسی آکادمیک تعبیر نمود. کشورهای مختلف جهان به فراخور قدرت فرهنگی و اقتصادی خود، روی برنامه‌های مبادلات فرهنگی و آموزشی سرمایه‌گذاری زیادی نموده‌اند. شاخص‌ترین و موفق‌ترین کشورها در این زمینه ایالات متحده آمریکا است. از طریق برنامه‌های دیپلماسی آکادمیک مانند تبادلات دانشجویی و بورسیه‌های تحصیلی، پروژه‌های بین‌المللی آموزشی برای دیدارکنندگان خارجی، کنفرانس‌ها و سمینارهای دانشگاهی، گسترش زبان انگلیسی و غیره، ایالات متحده در حال انتقال ارزش‌ها و باورهای اخلاقی‌اش به نخبگان کشورهای جهان است. دولت ایالات متحده به دنبال آن است تا با گسترش برنامه‌های فرهنگی و دیپلماسی آکادمیک خود با مخاطبین جوان ارتباط برقرار کرده و پلی با رهبران آینده

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه؛

Mtaheri1982@gmail.com

۲. استادیار سیاست‌گذاری فرهنگی، مؤسسه آموزش عالی مولوی (نویسنده مسئول)؛

کشورها بویژه ایران ایجاد نماید. با نگاهی به عملکرد دیپلماسی آکادمیک ایالات متحده آمریکا در ایران در طول دهه‌های گذشته، می‌توان دریافت که این کشور در تلاش برای ترویج ارزش‌ها و سبک زندگی امریکایی، پرورش طبقه متوسط متمایل به غرب، جهت‌دهی به دانش و دانشگاه‌ها و همچنین گسترش زبان انگلیسی به مثابه زبان علمی و ارتباطی بوده است. بر همین اساس شناخت تجربیات و عملکرد آمریکا در حوزه دیپلماسی آکادمیک برای کشوری با ظرفیت‌های جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت خواهد بود. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که کارکرد دیپلماسی آکادمیک ایالات متحده آمریکا در جذب دانشگاهیان به‌ویژه نخبگان ایرانی چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله بر این است که این کشور با استفاده از ابزارهای دانشگاهی و جذایتهای علمی و آموزشی خود، توانسته است بیشترین مبادلات آموزشی را در سطح جهان داشته باشد و از این طریق ضمن انتقال ارزش‌های خود به دانشگاهیان، قدرت نرم خود را افزایش دهد. این جاذبه‌ها، بسیاری از دانشگاهیان ایرانی را نیز برای تحصیل و تحقیق به سمت ایالات متحده آمریکا سوق داده است.

**واژگان کلیدی:** دیپلماسی آکادمیک، آموزش عالی، ایالات متحده آمریکا، قدرت نرم، دانشگاهیان ایرانی.

### مقدمه

دیپلماسی آکادمیک یکی از اجزاء دیپلماسی فرهنگی است که به دانشگاهیان به مثابه سفیران فرهنگی می‌نگرد؛ از این منظر همه سیاحان، مسافران، معلمان و هنرمندان را می‌توان نمونه‌هایی از سفیران غیررسمی یا دیپلمات‌های فرهنگی اولیه به حساب آورد (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۸). دانشجویان از همان ابتدای آغاز به کار دانشگاه‌های مدرن در قرون وسطی، در خارج کشور تحصیل کرده و تحت تأثیر آنچه آموخته و تجربه کرده بودند، قرار گرفته‌اند. استادان و محققان نیز برای بیش از هزارسال از مرزهای میان کشورها عبور کرده بودند و دانش همواره حیطه بین‌المللی داشته است. در واقع دانشگاه‌های قرون وسطایی، نهادهای بین‌المللی بودند که دانشجویان و استادان را از چندین کشور اروپایی دور هم می‌آوردند و به یک زبان واحد (لاتین) فعالیت می‌کردند. دانشگاه‌های قرون وسطایی به‌واسطه تأکید زیاد بر الهیات و قانون کلیسا، به‌عنوان سنگری محکم در خدمت مذهب کاتولیک بودند. گسترش ایمان مسیحی از طریق آموزش، جنبه مهم قدرت نرم کلیسا بود. از لحاظ تاریخی، جامعه مسیحیان، آموزش را به‌عنوان نیروی قدرتمند تشخیص دادند و برای توسعه دانش و مذهب کاتولیک اقدام به تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها در سراسر جهان کردند. گروه‌های دینی از دیگر مذاهب مختلف مسیحی نیز به‌طور فعالانه‌ای درگیر آموزش عالی در خارج از کشور بودند (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۷۶).

ایالات متحده آمریکا یکی از کشورهای عمده جهان است که بخوبی توانسته است از این ظرفیت در دیپلماسی فرهنگی و افزایش قدرت نرم خود بهره‌برداران بگیرد. به عقیده جوزف نای؛ «گسترده‌ترین میدان یا عرصه دیپلماسی عمومی و فرهنگی، توسعه مناسبات پایدار با عناصری کلیدی است - طی سال‌ها یا حتی دهه‌ها، از طریق بورس‌ها، تبادلات دانشجویی، برنامه‌های آموزشی، سمینارها، کنفرانس‌ها و مجاری رسانه‌ای. حدود ۷۰۰/۰۰۰ نفر طی سالیان دراز در تبادلات فرهنگی و علمی آمریکا حضور داشته‌اند - تبادلاتی که به آموزش رهبرانی جهانی چون انور سادات، هلموت اشمیت و مارگارت تاچر کمک کرده است» (نای، ۱۳۹۲: ۱۵۰). این کشور از طریق برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی مانند تبادلات دانشجویی و بورسیه‌های تحصیلی، پروژه‌های بین‌المللی آموزشی برای دیدارکنندگان خارجی، برنامه‌های سخنرانی، بازدیدهایی برای خبرنگاران، گسترش زبان انگلیسی و غیره،

در حال انتقال ارزش‌ها و اصول اخلاقی‌اش است. (www.State.gov) در این زمینه، ایالات متحده آمریکا، از دو مزیت اصلی بهره می‌برد؛ یکی زبان انگلیسی و دیگری کیفیت نظام آموزش عالی. تازه‌ترین آمار «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد» (یونسکو) از تعداد دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های دنیا حاکی از آن است که این کشور، مقصد اصلی دانشجویان جهان به شمار می‌رود. (www.uis.unesco.org)

این کشور برای پیشبرد دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای خود مبادرت به یک رشته نهادسازی، تصویب قوانین و برنامه‌ها برای اقدامات معطوف به ارتباطات و اطلاع‌رسانی، آموزش، توجیه و تفاهم و مبادلات فرهنگی و علمی دست زده است که سابقه و حرکت نخستین همه آنها به شکل جدید و نهادینه به ۷۵ سال پیش بازمی‌گردد. در طی این سال‌ها (از ۱۹۴۰ تا ۲۰۱۵ میلادی) نهادهایی نظیر اداره اطلاعات جنگ، آژانس اطلاعات آمریکا، آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا، اداره روابط آموزشی و فرهنگی، اداره اطلاعات بین‌المللی و امور فرهنگی، اداره اطلاعات بین‌المللی و مبادله آموزشی، برنامه بین‌المللی دیدارکننده، شورای دیدارکنندگان بین‌المللی، شورای دیپلماسی آمریکا و خدمات اطلاعات ایالات متحده تأسیس شدند. برخی از آنها در هم ادغام شدند، نهادی دیگر شکل گرفت یا تغییر نام یافتند و در هر صورت مأموریت اصلی را «پیشبرد فهم بهتر از ایالات متحده در دیگر کشورها و افزایش درک متقابل... و نفوذ در مخاطبان خارجی» دنبال کردند (خرازی محمدوندی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

در خلال جنگ سرد ایالات متحده نقش بسیار فعال‌تری را در گسترش ایده‌های فرهنگی و سیاسی خود از کانال دیپلماسی آکادمیک ایفا کرد. آموزش عالی آمریکا نقش مهمی را در کشمکش ایدئولوژیکی با اتحاد جماهیر شوروی داشته است. حکومت ایالات متحده، بنیادهای خصوصی و دیگر آژانس‌ها از «مبادلات دانشگاهی»، «برنامه‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی» حمایت مالی می‌کردند؛ هدف از این حمایت‌ها سهیم شدن در ارائه تصویری مثبت از آمریکا در سراسر جهان و همچنین ایجاد ارتباط با دانشگاه‌ها و دیگر بخش‌های بین‌المللی بود. برخی تحلیلگران از ارتباطات حکومتی با دانشگاه‌ها انتقاد می‌کردند، درحالی‌که برخی دیگر این تلاش‌ها را برای سیاست خارجی آمریکا حیاتی می‌دیدند. از جمله این ارتباطات حکومتی می‌توان به همکاری تعدادی از نهادهای دانشگاهی ایالات متحده آمریکا با سازمان اطلاعات این کشور (سیا) اشاره کرد. به عنوان

مثال تعدادی از دانشگاه‌های سرشناس ایالات متحده، مانند کلمبیا و استنفورد و نیویورک و هاروارد، در زیر نفوذ مستقیم سیا بود. مثلاً، بنیاد فارفیلد<sup>۱</sup> در دانشگاه کلمبیا از مهم‌ترین مراکزی بود که بودجه عملیات فرهنگی سیا از طریق آن به نهادهای فرهنگی انتقال می‌یافت. ظاهراً این بنیاد را یک ثروتمند یهودی بنام جولیوس فلیشمن ایجاد کرده بود ولی در واقع با بودجه سیا تأمین می‌شد. (سایت اندیشکده روابط بین‌الملل، ۱۳۹۵/۶/۲۹). دیوید گیس (۲۰۰۱) در مقاله «اندیشمندان و جاسوسان: سکوتی که فریاد می‌زند» از رسوایی بزرگی سخن می‌گوید که به دلیل فاش شدن اسناد ارتباط سیا با نهادهای آکادمیک در دوران جنگ سرد پدید آمده است. گیس به رابطه تنگاتنگ سیا با نهادهای علوم اجتماعی ایالات متحده اشاره می‌کند. واکنش حکومت ایالات متحده به جنگ سرد همچنین موجب بهبود حمایت جمعی، برای بالا بردن سطح دانشگاه‌های آمریکایی به سطح رهبری بین‌المللی گردید. در این میان و از لحاظ ملی ایجاد برنامه‌های کمک هزینه تحصیلی در علوم، ریاضیات، زبان و مطالعات منطقه‌ای نقش چشمگیری در بالا بردن سطح دانشگاه‌ها داشت. در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، آموزش عالی آمریکا مخصوصاً تحقیقات دانشگاهی این کشور، برترین‌ها در سطح جهان بود. با جذب دانشجویان و محققان، ایالات متحده تبدیل به بزرگ‌ترین کشور میزبان دانشجویان خارجی گردید. به‌علاوه، انگلیسی به زبان اصلی علم و تحقیقات تبدیل شد و دانشگاه‌های ایالات متحده بر ارتباطات علمی و تحقیقاتی نیز تسلط یافتند. توانایی و جذابیت آموزش عالی آمریکا- که به‌واسطه نبرد ایده‌ها در جنگ سرد پیشرفت کرده بود- تبدیل به یک عنصر حیاتی برای حکومت ایالات متحده در افزایش قدرت نرم خود و برتری یافتن بر دیگر کشورها گردید (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹: ۷۷).

به طور سنتی، ایالات متحده آمریکا دو رویکرد برای دیپلماسی عمومی خود داشته است؛ رویکرد نخست تمرکز بر ابزار رسانه و پیام مانند برنامه صدای آمریکا، فیلم و کتاب بوده است و رویکرد دوم تبادلات فرهنگی و آموزشی یا دیپلماسی شهروندی می‌باشد که بهترین مثال آن برنامه فولبرایت است که پس از جنگ جهانی دوم به منظور پیشبرد درک مشترک میان مردم ایالات متحده با سایر ملل جهان ایجاد شد. تأثیر این برنامه‌ها به حدی

1. Farfield Foundation

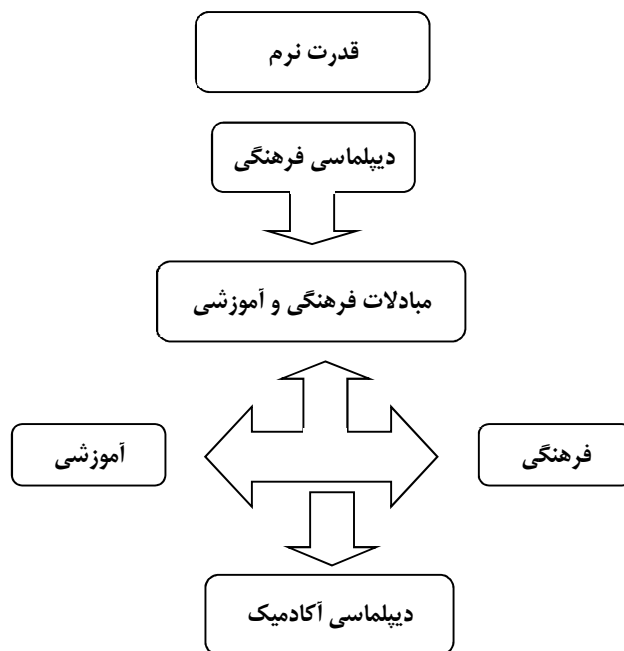
بود که ۹۹٪ افراد شرکت‌کننده درک بهتری از ایالات متحده در ذهن داشتند. (www.washingtoninstitute.org) این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که کارکرد دیپلماسی آکادمیک آمریکا در جذب دانشگاهیان بویژه دانشجویان ایرانی چگونه بوده است؟ فرضیه ما بر این است که این کشور با استفاده از ابزارهای دانشگاهی و جذابیت‌های علمی خود، توانسته است بیشترین مبادلات آموزشی را در سطح جهان داشته باشد و از این طریق ضمن انتقال ارزش‌های خود به دانشگاهیان، قدرت نرم خود را افزایش دهد. رویکرد این مقاله بر مبنای نظریه قدرت نرم جوزف نای و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استناد به آمار و داده‌های در دسترس می‌باشد که ضمن بررسی کارکرد دیپلماسی آکادمیک آمریکا، به عملکرد آن در قبال دانشگاهیان ایرانی خواهیم پرداخت.

## ۱. ادبیات تحقیق

در نظریه‌های روابط بین‌الملل برای توصیف توانایی‌هایی که به طور مستقیم بر رفتار یا منافع سایر نهادهای سیاسی، از طریق شیوه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی تأثیرگذار است، از واژه قدرت نرم استفاده می‌گردد. مقوله قدرت نرم در نظریات جدید، مفهومی ترکیبی بوده و فراتر از چارچوب قدرت سخت است و شامل مؤلفه‌هایی نظیر فرهنگ، ارزش‌ها، سیاست خارجی و تولیدات علمی و فن‌آوری می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷۹). این واژه برای نخستین بار توسط جوزف نای وارد ادبیات روابط بین‌الملل گردید. به عقیده جوزف نای این شکل از قدرت، توانایی به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین، جهت تحقق اهداف خود بدست آوریم. این نوع قدرت با قدرت سخت متفاوت است؛ چرا که جذب بسیار ارزاتر و کاراتر از اجبار است (Nye, 2004: ۶۲). به عبارت دیگر قدرت نرم، توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های دیگران است. در سطح انسانی، قدرت جذب و اغوای دیگران است. توانایی ایجاد اولویت‌ها از طریق امتیازهای غیرملموس مثل شخصیت، فرهنگ، نهادها و ارزش‌های سیاسی و سیاست‌هایی که مشروع و قانونی هستند و اقتدار اخلاقی دارند بدست می‌آید. قدرت نرم یک کشور اساساً بر سه منبر استوار می‌شود:

- فرهنگ آن کشور؛ به شکلی که برای بازیگران دیگر جذاب است؛
- ارزش‌های سیاسی آن کشور؛ زمانی که در داخل و خارج ملموس باشد؛ و

- سیاست‌های خارجی آن کشور؛ زمانی که مشروع جلوه کنند و دارای مشروعیت اخلاقی نیز باشند.



شکل ۱: ارتباط قدرت نرم با دیپلماسی آکادمیک؛ رسم شکل از نگارندگان

یکی از منابع قدرت نرم، فرهنگ است؛ جاذبه‌هایی را ایجاد می‌کند که از طریق رأی‌گیری از مردم یا گروه‌های متمرکز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این که آیا این جاذبه‌ها سیاست‌های دلخواه را بوجود می‌آورد باید در موارد خاص، مورد ارزیابی قرار گیرد. شکاف میان قدرت ارزیابی شده به عنوان قدرت منابع و قدرت داوری شده به عنوان قدرت رفتاری، منحصر به قدرت نرم نیست بلکه در همه اشکال قدرت رخ می‌دهد. تفاوت میان قدرت منابع و قدرت رفتاری برای فهم رابطه میان قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی مهم است. در سیاست بین‌الملل منابعی که قدرت نرم را ایجاد می‌کنند از ارزش‌های یک سازمان یا یک کشور که در فرهنگش اعمال می‌کند، برای مثال از طریق اعمال و سیاست‌های داخلی‌اش و روشی که در روابطش با دیگر کشورها رفتار می‌کند، ناشی

می‌شود. دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی است که حکومت‌ها برای نوسازی این منابع استفاده می‌کنند تا بیش از آن که صرفاً حکومت کشورهای دیگر را جذب کنند مردم آن کشورها را جذب کنند. اگر محتوای فرهنگ، ارزش و سیاست‌های کشوری جذاب نیستند دیپلماسی عمومی که آن‌ها اشاعه می‌دهند نمی‌تواند قدرت نرم ایجاد کند بلکه ممکن است تنها مخالف ایجاد کند. بصورت کلی می‌توان گفت، دیپلماسی فرهنگی نمونه بارز و اعلا‌ی قدرت نرم به شمار می‌رود که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد که در طرف مقابل نفوذ کرده و او را ترغیب به همکاری نمایند (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۷). کشورهای قدرتمند بر پایه جنگ نرم با ورود به حوزه‌های مختلفی مانند آموزش، علم، موسیقی، فیلم، کتاب و سبک زندگی، با ایجاد جذابیت، رفتار و سبکی را به مردم و حاکمان کشورهای هدف تعریف و القا می‌کنند که خود خواهان آن هستند.

طبق نظر نای، توسعه و استعمال قدرت نرم، استمرار موقعیت آمریکا را در نظام بین‌الملل با دشواری کمتری مواجه ساخت. مجموعه‌ای از ایده‌های لیبرال مانند دموکراسی و بازارهای آزاد که توسط آمریکا ترویج شد و دولت‌های غربی دیگر در آنها سهیم شدند، اجرای سیاست‌های آمریکا را در خارج تسهیل کردند. با اشتراک اصول و ارزش‌های مشابه با دولت‌های دیگر، هزینه‌های تداوم این نظم از طریق انگیزه‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی کاهش یافت (پارمر و کاکس، ۱۳۹۱: ۳۸).

نقش آموزش نیز در تولید قدرت نرم و شکل دهی به هویت دولت‌ها از آن جهت قابل توجه ارزیابی می‌گردد که متکی بر انسان‌ها و ذهن آنان است. نقش آموزش در این راستا می‌تواند ایجاد جاذبه موقتی کشور میزبان، به عنوان انگیزه ابتدایی برای مشارکت در برنامه آموزشی بین‌المللی باشد که در آن دانشجویان خارجی در ابتدا نه اینکه کشور میزبان را دوست داشته باشند، بلکه بتوانند با آن به گفت و گو نشسته و تصویر مثبتی نسبت به قبل از آن داشته باشند (محمدی پور، ۱۳۹۳: ۴۵).

## ۲. دیپلماسی آکادمیک آمریکا: کارگزاران و سازوکارها

با عنایت به نکات گفته شده مشخص گردید که آموزش عالی، از منابع مهم قدرت نرم آمریکا محسوب می‌شود. تقریباً در همه کشورها اشتیاق برای رفتن به دانشگاه‌های هاروارد، کالیفرنیا، استنفورد، برکلی و... وجود دارد. همچنین میزان ثبت‌نام از دانشجویان خارجی،



میزان برندگان جایزه نوبل، میزان انتشار کتب و مقالات علمی-پژوهشی و بسیاری دیگر از موارد آموزشی و پژوهشی را به‌عنوان یک منبع قدرت نرم تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و اعمال قدرت در اختیار دارد (خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۷). بسیاری از پژوهشگران معتقدند که آموزش عالی آمریکا قدرت نرم قابل توجهی برای ایالات متحده تولید می‌کند. برای مثال کالین پاول، وزیر امور خارجه، در سال ۲۰۰۱ گفت: «من نمی‌توانم داشته‌ای با ارزش‌تر از دوستی با رهبران آتی دنیا که در اینجا تحصیل کرده‌اند برای کشور خودمان نام ببرم.» (قدرت نرم و رابطه آن با آموزش عالی، ۱۳۹۳). منتقدان دیدگاه محافظه‌کاران جدید، چون راس از وزارت امور خارجه آمریکا می‌گوید: معرفی و تبیین سیاست خارجی آمریکا برای مخاطبان خارجی، نیمی از مسئولیت دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود و نیمی دیگر، معرفی ارزش‌ها و مردم آمریکاست. این موضوع به‌خوبی در قانون فولبرایت نیز مطرح شده است که دولت آمریکا موظف شده است تا فعالیت‌هایی را برای درک متقابل اجرا نماید (Ross, 2002: 73-83).

به باور جوزف نای، «در جنگ سرد، با تلفیقی از قدرت سخت و نرم، اقدام نمودیم. تبادلات آکادمیک و فرهنگی میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی که در دهه ۱۹۵۰ آغاز گشت، نقش مهمی در تقویت قدرت نرم آمریکا ایفا نمود. دل‌وایسان آمریکایی در آن زمان هراس داشتند که دانشمندان و عوامل کاگ‌ب که به آمریکا می‌آیند، «از غفلت ما سوءاستفاده کنند»؛ با این وجود ایشان از این امر غافل بودند که این افراد ایده‌های سیاسی را همراه با رازهای علمی ما در خود جذب می‌کردند. از آنجا که مبادلات بر نخبگان تأثیر گذاشت، یک یا دو عامل ارتباطی کلیدی می‌تواند تأثیر سیاسی عمیقی داشته باشد. برای مثال الکساندر یا کولف به‌شدت متأثر از مطالعات خود در کنار دیوید ترومن، استاد علوم سیاسی در دانشگاه کلمبیا به سال ۱۹۵۸ بود. یا کولف بعدها ریاست یک مؤسسه بسیار مهم را بر عهده گرفت، به عضویت پولیت برو درآمد و تأثیرات لیبرالیزه‌سازی بسیار زیادی بر میخائیل گورباچف، رهبر شوروی، گذاشت (Joseph Nye, 2016).

در قالب برنامه‌های تبادلات رسمی بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۸، ۵۰ هزار روس از ایالات متحده آمریکا بازدید کردند. برخلاف امروز که سیاست‌های محدودسازی دادن روایید باعث شده است که شمار درخواست دانشجویان خارجی برای پذیرفته شدن در ایالات متحده کاهش بیابد. پیامدهای بلندمدت این محدودیت آن است که دانشجویان با

استعداد خارجی به دنبال آموزش‌های عالی در دیگر نقاط جهان خواهند رفت و در نتیجه آمریکا فرصت نفوذ بر دانشجویان خارجی و آموختن از ایشان را از دست می‌دهد. این خود باعث از میان رفتن آگاهی آمریکا از اختلافات فرهنگی آن‌هم زمانی که نیاز مبرم به درک تصورات خارجی از خود دارد. (<http://www.educause.edu>) در این زمینه جنیس جیکوبز، معاون خدمات روادید وزارت امور خارجه در سال ۲۰۰۵ در پنجاه و هفتمین کنفرانس سالانه انجمن مربیان بین‌المللی که پیش‌تر انجمن ملی امور دانشجویان خارجی نام داشت، اظهار داشت: ایالات متحده آماده پذیرش دانشجویان خارجی علاقه‌مند به تحصیل در این کشور است و به کارکنان مأمور در خارج از کشور ایالات متحده ابلاغ گردیده تا برای دانشجویان و بازدیدکنندگان تبادل اولویت قائل شوند. وی یادآوری کرد اگرچه حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برخی از سیاست‌های مربوط به صدور ویزای این وزارتخانه را تغییر داد، کسانی که تصور می‌کنند برداشت‌های قبلی از تغییرات روند دریافت ویزا مانعی برطرف نشدنی جهت سفر یا تحصیل در ایالات متحده است در اشتباه هستند. وزارت امور خارجه به شدت در تلاش است تا از آنچه که امیدواریم به بازگشت دانشجویان بین‌المللی، بازدیدکنندگان تبادل، دانشمندان و تاجران ... منتهی شود حمایت نماید (وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۱۶). هنگامی که تأثیر برنامه‌های دوره جنگ سرد از بین رفت و خلاء برنامه‌های تبادل فرهنگی آشکار شد، یک امریکایی از سیاستمداری لهستانی سوال کرد که چرا کشورش از آمریکا در جنگ علیه عراق حمایت می‌کند، وی در پاسخ گفت: من کابینه لهستان را بررسی کردم و دیدم که هر فرد حداقل یک یا دو سال مشغول تحصیل یا تدریس بوده است. من به نسل بعدی رهبران لهستانی دقت کردم و دیدم تقریباً هیچ یک از آنان چنین تجربه‌ای ندارند و طبعاً آنها چنین تصمیماتی نخواهند گرفت (قاسمی، ۱۳۹۰: ۲۵).

## ۲-۱. کارگزاران دیپلماسی آکادمیک آمریکا

وزارت امور خارجه آمریکا سه هدف استراتژیک را در دیپلماسی آکادمیک دنبال می‌کند که این سه هدف معرفی ارزش‌ها و اعتقادات آمریکا، نشان دادن فرصت‌هایی که

به برقراری دموکراسی حاکمیت خوب<sup>۱</sup> و بازار آزاد منجر می‌شود و در نهایت حمایت آموزشی از جوانان عنوان می‌کند (درویش، ۱۳۸۴: ۱۴۲). بر همین اساس مراکز و مؤسساتی در جهت تحقق اهداف یاد شده که در نهایت منجر به افزایش قدرت نرم این کشور خواهد شد، ایجاد گردیده و این وظیفه را عهده‌دار می‌باشند. در ذیل به معرفی مهم‌ترین این نهادها و سازمان‌ها می‌پردازیم.

### الف. آژانس اطلاع‌رسانی ایالات متحده<sup>۲</sup>

آژانس اطلاع‌رسانی ایالات متحده نخستین نهادی بود که به صورت رسمی فعالیت‌های امریکا را به عنوان دیپلماسی عمومی مدنظر قرار داد. این سازمان زیر نظر رییس‌جمهور امریکا در سال ۱۹۵۳ تأسیس گشت و بر اساس اسناد منتشر شده، بزرگ‌ترین هدف آن، ارتقا درک متقابل میان مردم آمریکا و مردم دیگر کشورهای جهان بود که این هدف را عمدتاً با پیشبرد اقدامات دانشگاهی و فرهنگی پی می‌گرفت. این سازمان، در ۱۴۲ کشور جهان ۱۹۰ دفتر داشته و بودجه سالانه آن بیش از یک میلیارد دلار بود. به طور کلی دو کارویژه عمده هدایت و تنظیم برنامه‌های رادیویی و تبادلات فرهنگی و دانشگاهی به آژانس اطلاع‌رسانی سپرده شده بود. در زمینه فعالیت‌های رادیویی این سازمان عهده‌دار هدایت برنامه‌های رادیو صدای امریکا، رادیو مارتی به منظور پخش برنامه برای کوبا و رادیو اروپای آزاد شد که در دوران جنگ سرد عهده‌دار تبلیغات ضد کمونیستی بود. کارویژه دوم این سازمان تبادلات فرهنگی و دانشگاهی بین‌المللی بود که برنامه بورس فولبرایت در قالب آن قرار داشت. این وظیفه به‌ویژه تبادل دانشجو و استاد و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان کشورهای موردنظر بود. این نهاد در سال ۱۹۹۹ با توجه به گسترده شدن فعالیت‌های امریکا در عرصه دیپلماسی عمومی، در معاونتی به این منظور در وزارت امور خارجه امریکا ادغام شد. (احدی، ۱۳۸۷: ۱۸۵)

به طور کلی این آژانس دو برنامه فرهنگی را اداره می‌کند که به جامعه دانشگاهی ارتباط دارد؛ یکی برنامه «فولبرایت» و دیگری برنامه «سخنگویان». برنامه فولبرایت احتمالاً شناخته شده‌ترین فعالیت فرهنگی آژانس اطلاعات ایالات متحده است. این

1. Good Governance
2. US Information Agency

برنامه طیف متنوعی را تشکیل می‌دهند از دانشجویان کارشناسی تا محققان ارشد و گاهی افراد غیر دانشگاهی. در حال حاضر ۴۸۰۰ کمک هزینه فولبرایت در هر سال اعطا می‌شود. در بیرون از مرزهای ایالات متحده، مأموران امور فرهنگی به انحای گوناگون با این برنامه مرتبطند. تدارکات اداری از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند ولی برنامه در مجموع یا منحصرأ به دست آژانس اطلاعات و معمولاً مأموران امور فرهنگی اداره می‌شود یا به دست نهادی دولتی که در آن مأموران امور فرهنگی نقش فعالی دارد و به‌عنوان رابط اصلی با دولت آمریکا انجام وظیفه می‌کند. برنامه سخنگویان را مأموران امور فرهنگی یا در شعب بزرگ، قائم‌مقام آن‌ها، اداره می‌کنند. این برنامه را تقریباً همه‌جا با عنوان برنامه «امپارت»<sup>۱</sup> می‌شناسند. در این برنامه سالانه حدوداً ۷۰۰ آمریکایی به خارج اعزام می‌شوند. این افراد نه فقط کیفیت زندگی فکری آمریکایی را نشان می‌دهند، بلکه پیوندهای طولانی‌مدتی میان دانشگاه‌های آمریکایی و کشورهای مقصد برقرار می‌کنند (فیلد رایان، ۱۳۹۲: ۵۲).

#### ب. معاونت امور دیپلماسی عمومی و روابط عمومی وزارت امور خارجه:

این معاونت دارای سه بخش و زیر مجموعه می‌باشد:

الف) امور فرهنگی و آموزشی<sup>۲</sup>

این بخش خود شامل دو دفتر به نام‌های دفتر امور دانشگاهی<sup>۳</sup> و دفتر امور مبادلات حرفه‌ای و فرهنگی<sup>۴</sup> بوده که در وزارت امور خارجه آمریکا به‌عنوان تاج جواهرات دیپلماسی عمومی از آن یاد می‌شود. اهم وظایف و فعالیت‌های این دو دفتر عبارت‌اند از مدیریت کلیه برنامه‌های دانشگاهی که توسط وزارت امور خارجه حمایت مالی می‌شوند، شامل برنامه فولبرایت<sup>۵</sup> برای دانشجویان، مدرسان و محققان و سایر بورس‌های تحصیلی؛ برنامه هامفری<sup>۶</sup> مربوط به تبادل اساتید، برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی، برنامه‌های مطالعات

1. American Participant
2. Educational & Cultural Affairs
3. Academic Affairs
4. Office of Professional & Cultural Exchanges
5. Fulbright Program
6. Humphrey Program

امریکا، ارائه مشاوره به دانشجویان خارجی و بازاریابی برای مؤسسات آموزش عالی امریکا از طریق شبکه دفاتر آموزشی ایالات متحده<sup>۱</sup> در سراسر جهان، فعالیتی که هدف آن حمایت از تحقیقات ویژه فعالیت‌های مردم با مردم از طریق مراکز شورای تحقیقاتی آمریکایی تحقیق خارج از کشور<sup>۲</sup> و فعالیت‌های طراحی شده برای حمایت از منافع آموزشی امریکا در سازمان‌های بین‌المللی و ابتکارات چند جانبه است. این دفتر فعالیت‌های اصلی خود را با اتکا به برتری و امتیاز دانشگاه‌های آمریکایی و اعتبار جهانی آن‌ها برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند. بودجه این دفتر سالیانه بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار است که ۳۵٪ آن از منابع دولتی تأمین می‌شود.

(ب) دفتر برنامه‌های اطلاعات بین‌المللی<sup>۳</sup>  
(ج) روابط عمومی<sup>۴</sup> (صانعی، ۱۳۸۷: ۲-۴)

### ج. انجمن آمریکایی پیشبرد علم<sup>۵</sup>

انجمن آمریکایی برای پیشرفت علم، یک سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی است که از آن به‌عنوان یک رهبر و یا سخنگو برای پیشبرد علم در جهان می‌توان نام برد (دیپلماسی علم و فناوری، ۱۳۹۱). این سازمان مأموریت خود را «ارتقاء علم، مهندسی و نوآوری در سراسر جهان به نفع همه مردم» تعریف کرده است و برای انجام این مأموریت اهداف گسترده‌ای را تعیین کرده که از آن جمله تقویت ارتباط میان دانشمندان، مهندسان و عموم مردم و پیشبرد همکاری‌های بین‌المللی در علم می‌باشد (Aaas, 2016).

این مرکز برای دستیابی به اهداف زیر تأسیس شده است؛ استفاده از علم برای ساختن پلی بین دو کشور و ارتقا سطح همکاری‌های علمی به‌عنوان عنصری ضروری در سیاست خارجی. در این راستا، مرکز در سال ۲۰۱۲، امکان دسترسی فصلنامه مرکز علوم و دیپلماسی را ایجاد کرد. به‌علاوه جایزه این انجمن برای دیپلماسی علم که پیش‌تر این جایزه به‌عنوان جایزه انجمن برای همکاری‌های علمی بین‌المللی بود هر ساله

1. Office of Education USAs Network
2. Council of American Overseas Research Centers
3. International Information Programs
4. Public Affairs
5. American Association For the Advancement of Science (AAAS)

به افراد و گروه‌های کوچک بدون در نظر گرفتن ملیت و تابعیت آنان که به پیشبرد دیپلماسی علم کمک نمایند، اهدا می‌شود (قدیمی، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

#### د. دفتر مشاوره علم و فناوری

دفتر مشاوره علم و فناوری وزارت خارجه آمریکا<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۰، توسط دکتر ویلیام بیل کواگلازیر<sup>۲</sup> تأسیس شد. این دفتر مشاوره علم و فناوری وزارت خارجه آمریکا بر اساس مطالعات شورای تحقیقات ملی در سال ۲۰۰۰، ایجاد شد. مطالعات این شورا نشان می‌داد که نقش دانشمندان در سیاست خارجی آمریکا در زمانی که نقش علم و فناوری در بسیاری از جنبه‌های سیاست خارجی افزایش پیدا کرده است بسیار کاهش یافته است این دفتر وظیفه ارائه منابع مورد نیاز و نیز مشاوره در زمینه علم و فناوری را به دفاتر مختلف وزارت خارجه بر عهده دارد (فهیمی، ۱۳۹۱). در ادامه برخی از فعالیت‌های این دفتر به اختصار بررسی می‌گردد. فعالیت‌های دفتر مشاوره علم و فناوری عبارتند از:

#### - بورس‌های علم و فناوری

بررسی‌های مربوط به پیشرفت و دیپلماسی هر چهار سال یکبار انجام می‌گیرد. این تحقیقات در سال ۲۰۱۰، نیاز به تخصص‌های فنی را برای حل مشکلات قرن ۲۱ ضروری نشان می‌داد و راه‌حل آن را گسترش بورس‌های تحصیلی در حیطه سیاست خارجی دانست.

بنابراین، دفتر مشاوره علم و فناوری در وزارت خارجه آمریکا مدیریت بورس‌های متفاوتی را در سطح دکترا بر عهده گرفت تا دانشمندان و مهندسان را برای مدت ۱ تا ۲ سال کار در وزارت خارجه آماده کند.

هدف از این بورس‌ها تقویت سیاست‌ها و رویه‌های علمی و مبتنی بر تجربه به وسیله به کارگیری دانشمندان و مهندسان در طیف وسیعی از رشته‌ها با پیش زمینه‌ها و سطوح متفاوت شغلی عملی می‌شود تا این متخصصین دانش و مهارت تحلیلی‌شان را

1. Office of the science & technology adviser (STAS).  
2. Dr. E. William "Bill" Colglazie.

برای کمک به دولت آمریکا استفاده کنند.

### - سخنرانی‌های علمی

این دفتر همکاری نزدیک با اداره اقیانوس‌ها و محیط زیست بین‌المللی و امور علمی<sup>۱</sup> و دفتر دیپلماسی عمومی به منظور تعامل با مردم خارج از کشور در مورد مسائل علمی و مهندسی دارد. بخشی از وظیفه دانشمندان و متخصصان به کار گرفته شده در وزارت خارجه ایفای سخنرانی‌های علمی در سفرهای بین‌المللی است. دفتر مشاوره علم و فناوری و همکاران علمی آن تلاش می‌کنند تا فرصت‌هایی را برای صحبت کردن بیشتر جوامع علمی و مهندسی ایالات متحده با جوامع دیگر فراهم کنند.

### - رصد علم و فناوری دنیا

از دیگر فعالیت‌های این همکاران علمی وزارت خارجه رصد فناوری‌های انتقالی و در حال ظهور می‌باشد. این فناوری‌های در حال ظهور و انتقالی به احتمال زیاد اثرات قابل توجهی در موضوعات سیاسی و اقتصادی دارند. مشاوران علمی با تجزیه و تحلیل، تصمیم‌سازی کرده و آن‌ها را به تصمیم‌گیرندگان ارشد توصیه می‌نمایند (قدیمی، ۱۳۹۲: ۸۰).

### - طرح پژوهشگران Nexxt

این طرح به دنبال تعامل بیشتر زنان جوان از سراسر جهان در علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات است که از این طریق آن‌ها را برای رهبری نسل بعدی در علوم، مهندسی و نوآوری آماده می‌کند. این طرح با همکاری سی‌وهفت کالج زنان در آمریکا انجام می‌شود و جامعه هدف آن بانوان کشورهای اسلامی است و فرصت را برای تحصیلات آن‌ها در کنار بانوان آمریکایی مهیا می‌نماید (فهیمی، ۱۳۹۱).

### - گفت‌وگوی جهانی در زمینه علم و فناوری در حال ظهور

بر اساس این برنامه وزارت امور خارجه با کشورهای جنوب صحرای آفریقا در بخش عمومی، خصوصی و سازمان‌های غیردولتی همکاری علمی می‌نماید. هدف اولیه این کار کشف فرصت‌ها و ایجاد تعمیق ارتباط و همکاری در زمینه علوم جغرافیایی در

1. Bureau of Oceans and International Environmental and Scientific Affairs (OES)

جهت توسعه پایدار اعلام شده است. این کار باعث شده تا مجموعه پایگاه‌های داده‌ها در مورد زمین در بورکینافاسو، نامیبیا و اوگاندا در همکاری با شرکای تجاری آمریکایی و آفریقایی ایجاد شود. به‌طور کلی می‌توان گفت دولت آمریکا برای افزایش نقش علم و فناوری در سیاست خارجی خود برنامه‌ریزی بسیار جدی انجام داده و اقدامات مختلفی در این راستا انجام داده است. به‌طور خاص این فعالیت‌ها در دفتر مشاوره علم که در وزارت خارجه آمریکا مستقر شده است برنامه‌ریزی می‌شود که تمرکز آن‌ها نیز بر استفاده از بورس‌های تحصیلی و سخنرانی‌های علمی است. مشاهده می‌شود که ضرورت توجه ظرفیت‌های علمی فناوری در حوزه روابط خارجی برای سیاستمداران آمریکایی به یک مسئله روشن تبدیل شده و به خوبی درک می‌شود (قدیمی، ۱۳۹۲: ۸۲-۸۱).

## ۲-۲. سازوکارهای دیپلماسی آکادمیک آمریکا

### الف. بورسیه‌های تحصیلی

یکی از جامع‌ترین و مهم‌ترین برنامه‌ها و طرح‌هایی که در سال ۱۹۴۶م. با هدف نهادینه کردن دیپلماسی فرهنگی در چارچوب سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تعریف شد و به اجرا درآمد، لایحه‌ای بود که به ابتکار سناتور ویلیام فولبرایت، از ایالت آرکانزاس، به تصویب دولت ایالات متحده آمریکا رسید. این برنامه که بعدها به نام خود وی به برنامه فولبرایت<sup>۱</sup> معروف شد، طی پنجاه سال حیات خود، یعنی تا سال ۱۹۹۶م. توانست امر تبادل حدود دویست و پنجاه هزار نفر در حوزه مبادلات فرهنگی میان آمریکا و سایر کشورهای جهان را میسر سازد (خانی، ۱۳۸۴: ۴۱). ایران نیز اولین کشور در خاورمیانه بود که به این بورسیه پیوست. بنا بر نظر ناسی اسنو کارشناس سابق مبادلات فرهنگی آژانس اطلاعات آمریکا، «واسطه‌های فرهنگی» مهمترین کارکرد برنامه مبادلات فرهنگی فولبرایت بوده است (آشنا، ۱۳۸۸: ۴۳۰). در متن اسناد نیز به صراحت بر نقش بنیادی و دراز مدت بورسیه‌ها در ایجاد تحولات مطلوب تاکید شده است: «لزوم یا امکان توقع اهداف کوتاه مدت سیاسی از برنامه ای چنین جای

1. Fulbright Program



حدس و گمان را باز می‌گذارد. برنامه باید بر اساس درجه ای از این اعتقاد پیاده شود که هر بورسیه ای برای ایجاد تحول آرام در جامعه خود، پیوندهای سیاسی نزدیک یا حداقل ارتباط دوستانه با ایالات متحده کار خواهد کرد.» (آشنا، ۱۳۸۸: ۴۳۰).

یکی دیگر از برنامه‌های موفق، بورسیه هیوبرت همفری است که متخصصان میان رتبه با استفاده از آن، برای گذراندن دوره‌های آموزشی به آمریکا مسافرت می‌کنند. رهبران آینده این کشورها باید به آمریکا سفر کنند و دیپلمات‌های آمریکایی باید چنین افرادی را شناسایی نمایند (دادرویش، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

با نگاهی به نظریات رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی می‌توان دریافت که عمده نظریه‌پردازان این حوزه که به ارائه مدل رشد برای کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه پرداختند، دانش‌آموختگان بورس شده در دانشگاه‌های ایالات متحده بودند. با فرارسیدن دهه ۵۰، فعالیت مؤسسات خصوصی و بنیادها در کشورهای جهان سوم و ارائه مدل‌های توسعه‌یافتگی وارد مرحله نوینی شد. نظریه روستو تحت عنوان مراحل رشد اقتصادی که در سال ۱۹۵۰ منتشر شد، به کمک یک بورس اعطایی از جانب بنیاد کارنگی انجام گرفت که این بنیاد، با هماهنگی تصمیم‌گیران سیاسی آمریکا از این‌گونه نظریات حمایت می‌کرد. هدف سیاست‌گذاران آمریکا، تبدیل جوامع روستایی و دهقانی جهان سوم به نمونه کوچکی از جامعه جدید مصرفی غربی بود و حمایت و پرورش نخبگان این کشورها برای انعکاس این‌گونه نظریات، نقش حیاتی برای منافع ملی آمریکا و بالتبع افزایش قدرت نرم این کشور داشت (دادرویش، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

از همه مهم‌تر، تأثیر بورسیه‌ای است که بیش از همه، خود ایالات متحده را تحت تأثیر قرار داد. بی‌بی‌سی در گزارش خود در آستانه سفر باراک اوباما به سرزمین پدری‌اش آورده است: «تام بویا، از فعالان اتحادیه کارگری اهل کنیا بود که بعدها سیاستمدار شد. وی که در کالج راسکین در آکسفورد درس خوانده بود، بورس تحصیلی را تأسیس کرد تا جوان‌های باهوش آفریقایی را به آمریکا و کانادا اعزام کند. هدف از اعزام دانشجویان این بود که آن‌ها مهارت‌های ضروری را کسب کرده و به جای کارکنان سفیدپوست دولتی برای بازسازی کشور وارد عمل شوند. یکی از آن دانشجویان فردی به نام باراک اوباما پدر رییس‌جمهور فعلی ایالات متحده آمریکا بود. باراک اوبامای پدر اولین دانشجوی آفریقایی بود که در دانشگاه هاوایی مشغول تحصیل

شد. در آنجا وی عاشق دختر جوان آمریکایی به نام آن دانهام شد و با وی ازدواج کرد. آن‌ها صاحب یک پسر شدند که به نام پدر باراک، باراک حسین اوبامای دوم، نامیده شد. فیلیپ اوچینگ، ستون نویسنده کنیایی، از جمله کسانی بود که با بورس تحصیلی به آمریکا رفت. آن‌گونه که وی می‌گوید: «آمریکا تشنگی من برای دانش را سیراب کرد» تقریباً ۸۰۰ دانشجوی از کنیا و کشورهای دیگر در شرق آفریقا توانستند با این برنامه بورس آموزش ببینند. دانش‌آموختگان دیگری که چنین بورس‌هایی دریافت کردند عبارت‌اند از وانگاری ماآتای که اولین زن آفریقایی بود که به دریافت جایزه صلح نائل شد و دانشمند ژن‌شناس فقید روبن اولمبو که مدیر آژانس محیط‌زیست سازمان ملل شد و نهایتاً پدر رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، باراک اوباما. در آن‌سوی آتلانتیک ویلیام ایکس شاینمن، تاجر آمریکایی که دوست نزدیک تام بويا بود، در این زمینه همکاری و شراکت می‌کرد و هر دو از حمایت رئیس‌جمهور جان اف کندی برخوردار بودند.

هاری بلافونته، موسیقی‌دان و فعال اجتماعی و سیدنی پواتیه، هنرپیشه و بسیاری دیگر در زمینه جمع‌آوری کمک مالی فعالیت می‌کردند. بلافونته بعدها در مورد بورس اوبامای پدر نوشت: «تصور آن را بکنید که اگر به خاطر حمایت بنیاد دانشجویان سیاه‌پوست آمریکایی نبود و او به آمریکا نمی‌آمد، چه کسی اکنون در کاخ سفید می‌بود؟» اوبامای پدر که همچون پسر از هاروارد فارغ‌التحصیل شد، در سال ۱۹۶۸ به کنیا بازگشت و در نهایت به‌عنوان یک اقتصاددان برای دولت کار کرد. (bbc, 23/7/2015)

### ب. ایجاد نخبگان فراملی از طریق تحصیل در دانشگاه‌های آمریکایی

در «بازی قدرت»، نای شکل دیگری از قدرت نرم را بررسی می‌کند: ایجاد نخبگان فراملی از طریق تحصیل در دانشگاه‌های آمریکایی. وی تجربه تحصیل در ایالات متحده آمریکا را به همان اندازه به طور بالقوه برای دانشجویان خارجی قابل تغییر تلقی می‌کند. از طریق تجربه زندگی آنها و آگاهی خوب از جامعه آمریکایی، دانشجویان خارجی به طور محتمل تفاهم بهتری از سیاست، جامعه و فرهنگ آمریکایی بعد از بازگشت به کشور مبدا خود خواهند داشت. آنها تا حدودی قادر خواهند بود تا شرایط مطلوب تری برای سیاست خارجی آمریکا به وجود بیاورند که هدف آن ارتقای تفاهم و همکاری

بین‌المللی است. برای نمونه، نای استدلال می‌کند که تبادلات دانشجویی محدود آمریکا با اتحاد جماهیر شوروی، تأثیر خود را در فروکش کردن جنگ سرد و در نهایت آزادسازی رژیم کمونیستی ثابت کرد (پارمر و کاکس، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۷۴). با همین خط مشی فکری، نای مدعی می‌شود که ایالات متحده آمریکا از این واقعیت بهره‌مند شد که بسیاری از رهبران آینده مانند انور سادات، هلموت اشمیت و مارگارت تاچر مدتی را برای تحصیل در این کشور گذراندند (Nye, 2004: 108-9).

علاوه بر ایجاد نخبگان فراملیتی آشنا با زندگی در کشورهای دیگر، مطالعات تاریخی تبادلات دانشجویی بین آلمان غربی و آمریکا ثابت می‌کند که دانشجویان قبلی معاوضه شده به عنوان پل‌های ارتباطی دو فرهنگ محسوب می‌شوند که بر تعصبات و پیش‌فرض‌ها در هر دو طرف فائق آمده‌اند. تبادلات دانشجویی بین آمریکا و ژاپن به طور مشابهی به عادی‌سازی روابط بین دو کشور بعد از جنگ جهانی دوم کمک کرد. بنابراین، نای ادعا می‌کند که هر دوی برنامه‌های تبادل دانشجویی و جذابیت آموزش عالی آمریکا برای دانشجویان کشورهای دیگر، به طور کلی یک سرمایه بزرگ برای توسعه قدرت نرم آمریکا فراهم می‌کند. این نظر یک بحث جدی را برای تداوم مجوز برای زندگی و تحصیل دانشجویان خارجی در ایالات متحده آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ایجاد می‌کند (پارمر و کاکس، ۱۳۹۱: ۱۷۴).

از دیدگاه آمریکاییان برنامه‌های تبادل دانشجویی می‌تواند نقش حیاتی در تأمین امنیت ملی و رسیدن به اهداف خارجی دیپلماسی کشور ایفا کند و لذا این کشور برای این امر در یک برنامه ده‌ساله مبلغی معادل ۱۲۵ میلیون دلار را پیش‌بینی کرده است (خانی، ۱۳۸۴: ۵). از نظر توزیع جغرافیایی این تبادل دانشجویی باید بر مناطق و کشورهایی همچون اروپای غربی و خاورمیانه متمرکز باشد؛ چرا که مقوله امنیت ملی آمریکا در این مناطق مسئله‌ای حادتر و مهم‌تر است. برای نیل به این هدف هم اکنون بیشتر دانشگاه‌های آمریکا برنامه‌های تبادل دانشجویی با دانشگاه‌هایی در اقصی نقاط جهان را در دستور کار خود قرار داده‌اند (خانی، ۱۳۸۴: ۵). دولت آمریکا معتقد بود که با افزایش فعالیت‌های دیپلماسی عمومی و فرهنگی در قبال جهان اسلام، می‌بایست افکار عمومی مسلمانان را در جهت مورد نظر خود هدایت کرده و آنان را نسبت به اهداف و منافع خود در منطقه خاورمیانه متعهد ساخت. در سال ۲۰۰۳ یک چهارم بودجه برنامه‌های آموزشی و مبادلاتی فرهنگی خارجی آمریکا به

کشورهای خاورمیانه اختصاص یافت.

در حال حاضر، هزاران دانشجوی آمریکایی در برنامه‌های مطالعات خاورمیانه در آمریکا تحصیل می‌کنند ولی تعداد اندکی از دانشجویان خاورمیانه به تحصیل در برنامه‌های مطالعات آمریکا مشغول هستند. در حقیقت نخستین برنامه مطالعات آمریکا در خاورمیانه در سپتامبر ۲۰۰۰ در اردن تأسیس شد. اگر چه دوره‌های مختلف آموزشی در دانشگاه‌های آمریکایی بیروت و قاهره برگزار می‌شود، ولی اکثر دانشجویان عرب، فرصت و امکانات لازم برای آشنایی با فرهنگ، جامعه، سیاست و دولت آمریکا را در اختیار ندارند. اما نکته جالب توجه این است که بر اساس آماری که دولت آمریکا منتشر کرده، بیش از ۵۰ درصد از رهبران ائتلاف علیه تروریسم را بعد از انفجارهای یازدهم سپتامبر، افرادی تشکیل می‌دهند که زمانی در برنامه تبادل دانشجو در آمریکا تحصیل کرده‌اند. معاون وزارت امور خارجه آمریکا توصیه نموده است که آمریکا تعداد افرادی را که در برنامه تبادل دانشجو شرکت می‌کنند، افزایش دهد (داد درویش، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

یک مقام وزارت امور خارجه آمریکا در کنفرانس سالانه مدیران آموزشی در نیواورلئان گفته است، ایده «دیپلماسی آکادمیک» در بالاترین سطح از سیاست خارجی آمریکا مطرح شده است. مگان کورتیس معاون دستیار وزیر در برنامه‌های آکادمیک در دفتر امور آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه ایالات متحده گفته است که این اداره همیشه با این فکر اداره می‌شده که ما می‌توانیم جهانی باثبات، صلح‌آمیز و مرفه داشته باشیم اگر همگی همدیگر را بفهمیم به همین علت موضوع تعامل با جهان اسلام فوق‌العاده مهم است. کورتیس با تأکید بر «اهمیت تبادل علمی در امور خارجه» تعامل با خاورمیانه، شمال آفریقا و دیگر کشورهای مسلمان را اولویت اول در درک متقابل با کشورهای اسلامی دانست. وی افزود در گفت‌وگو با کاخ سفید به نتیجه و ایده «دیپلماسی آموزشی» رسیدیم. «آلن گودمن» رییس موسسه آموزشی بین‌المللی آمریکا (IEE) نیز در یک نشست خبری درباره سفر هیات دانشگاهی آمریکایی به ایران گفت: دیپلماسی آموزشی در خط مقدم احیا و عادی‌سازی روابط بین دو کشور است و غالباً از این دیپلماسی پیش از برقراری و عادی شدن رابطه سیاسی استفاده می‌شود. این همان راهی بود که پیش از عادی‌سازی روابط آمریکا با کشورهای چینی و ویتنام در گذشته انجام شده بود و مؤسسه آموزشی بین‌المللی آمریکا هدایت این دیپلماسی آموزشی را در سال‌های گذشته در قبال

کشورهایی چون کوبا و میانمار بر عهده داشته است. (تاجیک، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر کشورهای مختلف به‌طور فزاینده‌ای دانش‌آموزان و دانشجویان خود را برای تحصیل به آمریکا می‌فرستند و مایلند که آن‌ها در دانشگاه‌های بین‌المللی تحصیل کنند. همچنین برخی کشورها تمایل دارند که سیستم آموزشی خود را مانند سیستم آموزشی ایالات متحده شکل دهند. همه این موارد به هدف ما کمک می‌کند اما اولویت اول ما خاورمیانه و شمال آفریقا است. یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های وزارت امور خارجه منطقه خاورمیانه است و ما در درک متقابل با این منطقه مشکل داریم و ما به دنبال یافتن راه‌کارهایی هستیم که از برنامه‌های خود به مؤثرترین و راحت‌ترین شیوه در خاورمیانه استفاده کنیم. کورتس همچنین گفت که همگی ما به «دیپلماسی آموزشی» به‌عنوان راه‌حل بلندمدت سیاست خارجی معتقدیم. برنامه‌هایی برای آوردن دانشجویان و دانش‌پژوهان از کشورهایی با جمعیت بالای مسلمانان به ایالات متحده نیز تدارک دیده شده است.

یکی دیگر از این قبیل برنامه‌های مبادله، جذب و گزینش دانش‌آموزان تیزهوش و مستعد سال پایانی دبیرستان می‌باشد. این برنامه با هدف جذب بهترین دانش‌آموزان و اعزام آن‌ها برای ادامه تحصیل در مدارس آمریکا و زندگی با خانواده‌های آمریکایی در کوتاه‌مدت (یکسال) انجام می‌شود. در دانشگاه‌ها نیز از سوی شورای مبادلات و پژوهش‌های بین‌المللی موسوم به IREX از طریق کنکور بهترین‌ها را برای تحصیل در کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا بر می‌گزینند. این برنامه‌ها با عنوان «تبادل رهبران آینده» به اجرا در می‌آید و از سوی بخش ارتباطات آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه حمایت مالی می‌شود (عابدینی، ۱۳۸۴).

شکل دیگری از برنامه‌های مبادله، ترغیب دانشجویان ایالات متحده جهت ادامه تحصیل در خارج از خاک این کشور در راستای شناخت و درک فرهنگ‌های دیگر می‌باشد. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه ایالات متحده، از دانشجویان آمریکایی خواست تا برای بهبود رویکرد جهانی آمریکا و گسترش دیپلماسی شهروندی این کشور به تحصیل در کشورهای مختلف جهان بپردازند. با توجه به میزان ثبت‌نام محصلان خارجی در دانشگاه‌های آمریکا - که به ترتیب کشورهای چین، هند و کره جنوبی در آن رتبه‌های نخست را دارند - وزیر سابق امور خارجه آمریکا هیلاری کلینتون به دانشجویان آمریکایی توصیه کرده است تا از رویکرد این دانشجویان تبعیت کرده و برای تحصیل در دیگر

کشورها به خارج بروند. بر اساس آمار وزارت خارجه آمریکا، تنها یک درصد دانشجویان آمریکایی برای تحصیلات عالی در خارج آمریکا مشغول به تحصیل هستند. همچنین تنها ۴ درصد جوانان آمریکایی بین سنین ۱۸ الی ۲۴، دارای گذرنامه هستند. از همین رو، هیلاری کلینتون از دانشجویان آمریکایی خواسته است تا برای تحصیل گزینه‌های بین‌المللی را نیز مدنظر بگیرند. وی تصریح کرده است: «برای اینکه بتوانیم در این جهان همیشه در حال تغییر، از همگان پیشرو باشیم، باید طوری خودمان را به پیش ببریم که نه تنها نگرش جهانی داشته باشیم، بلکه به خارج رفته و در دیگر کشورهای نیز دست به تحصیل بزنیم. من از تمامی دانشجویان آمریکایی می‌خواهم تا به فکر گسترش نگرش جهانی خود از طریق تحصیل در دیگر کشورها باشند. امیدوارم مسئولین دانشگاه‌های آمریکا نیز از این اقدام و کسب تجربه در خارج حمایت کنند.» هیلاری کلینتون همچنین گفته است: «تحصیل در خارج می‌تواند یکی از بهترین تجربیات زندگی یک فرد جوان باشد. آن‌ها پس از بازگشت، دانش جدید، چشم‌انداز جدید و درک عمیق‌تری از جهان را با خود به همراه می‌آورند.» (دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، ۱۳۹۳).

به گفته وزارت خارجه آمریکا، در حال حاضر ۲۷۰۶۰۴ آمریکایی در مؤسسات آموزش عالی دیگر کشورها مشغول به تحصیل هستند که مهم‌ترین این کشورها عبارت‌اند از انگلیس، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و چین. همچنین میزان تقاضا برای تحصیل در کشورهای آفریقایی و خاورمیانه نیز رو به افزایش است. مگان کورتیس، معاون وزیر خارجه آمریکا در بخش تبادلات آکادمی، نیز در مصاحبه‌ای با سی‌ان‌ان از تعداد دانشجویان آمریکایی در خارج از کشور ابراز ناخرسندی کرده و گفته است: «یک درصد کافی نیست. بنا به دلایل ژئوپولوتیکی، ما باید به فکر تحصیل در خارج و در تمامی نقاط جهان باشیم، و نه فقط در اروپای غربی». وی افزوده است: «داشتن یک برنامه تحصیلات خارجی، چه به صورت کوتاه‌مدت و چه بلندمدت، حیاتی است، به‌ویژه در این جهان همیشه در حال تغییری که ما در آن زندگی می‌کنیم. نمی‌توانیم تنها با اتکا به یادگیری جهان از پشت میزهای خود و یا در مؤسسات داخلی خود در آمریکا، تصویر کاملی از جهان به دست آوریم. مسئله تنها جهانی شدن نیست، بلکه رقابت است. چنانچه پا به دنیای بیرون نگذاریم نمی‌توانیم به رقابت خود ادامه دهیم.» این رویکرد بخشی از دیپلماسی شهروندی آمریکا محسوب می‌شود که شهروندان و دانشجویان آمریکایی به‌عنوان دیپلمات‌های عمومی تلاش می‌کنند افراد سایر

کشورها را سبک زندگی آمریکایی علاقمند کنند (دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، ۱۳۹۳).

### ۳. نقش دیپلماسی آکادمیک آمریکا در جذب دانشگاهیان ایرانی پس از انقلاب اسلامی

در طول سال‌های قبل از انقلاب اسلامی و بویژه پس از کودتای ۱۳۳۲ سیاست نفوذ ایالات متحده نسبت به ایران نهادینه شد؛ از این رو وزیر امور خارجه آمریکا در نامه ای به سفیر کشورش در ایران به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۴۹، استفاده هرچه بیشتر ایران از منافع اصل چهار و قانون فولبرایت را در راستای تثبیت منافع درازمدت آمریکا می‌داند. و تأکید می‌کند که کمیسیون فولبرایت و صدای آمریکا باید اهداف آمریکا در ایران را محقق کنند. گزارشات و اسناد برجای مانده در طول دهه‌های گذشته گویای این واقعیت است. در گزارش عملکرد سال ۱۹۶۲ کمیسیون مبادلات فرهنگی و آموزشی ایران و آمریکا این اهداف به طور مشخص فهرست شده با صراحت به نقش برنامه‌های فرهنگی در پیشبرد اهداف سیاست آمریکا اشاره شده بود. این اهداف بدین شرح بود:

الف- آموزش رهبران، متخصصان، معلمان و جوانان از طبقه متوسط

ب- تشویق به ایجاد تخصص‌ها و حرفه‌های جدید

ج- استمرار نشانه‌های علاقه به منافع آمریکا در میان ایرانیان

د- کمک به تبلیغ زبان انگلیسی به عنوان ابزار رشد و گسترش ارتباطات با جهان خارج و- کمک به رشد آموزش عالی و قوت بنیه علمی دانشجویان (آشنا، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی از میزان روابط فرهنگی بشدت کاسته شده و صرفاً برنامه تبادل محدود دانشگاهی بین ایران و ایالات متحده آن‌هم از مجاری غیررسمی و بعضاً انفرادی باقیمانده است. زبان فارسی به همراه زبان‌های عربی، روسی، چینی، هندی، اردو و کره‌ای برای ایالات متحده به عنوان زبان‌های استراتژیک مطرح هستند که از آغاز دهه ۱۹۸۰ بودجه خاصی برای آموزش آن‌ها با عنوان «قانون شش» تخصیص یافته است. ریچارد نلسون فرای ایران‌شناس آمریکایی در مصاحبه‌ای با CNN گفته بود که همواره در تمام منطقه آسیا و اروپا دو فرهنگ و تمدن بزرگ حضور داشته است؛ یکی در چین و دیگری در ایران. پیش‌تر مطالعه خاورمیانه از نگاه دانشگاهیان آمریکا در چهار حوزه

فرهنگی: عربی، فارسی، عبری و ترکی صورت می‌گرفت که تداوم سنت «شرق‌شناسی» اروپا بود. گفتمان غالب در شرق‌شناسی مطالعه آداب و رسوم کهن و ادبیات باستانی بود، اما رفته رفته بررسی ساختار سیاسی و ایدئولوژی حاکم و ادبیات سیاسی نیز به این حوزه وارد شده است.

احمد کریمی حکاک، مدیر مرکز مطالعات فارسی دانشگاه مریلند، معتقد است که حضور ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرت پس از جنگ جهانی دوم باعث پیدایش مطالعات ایران گشت. بنا بر آمار انجمن زبان نوین پس از بررسی ۲۸۰۰ مرکز آموزش عالی در آمریکا از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ حجم ثبت‌نام برای فارسی آموزی ۹۰٪ (از ۱۳۰۰ نفر به حدود ۲۳۰۰ نفر) افزایش یافته است که می‌توان آن را در جایگاه دوم پس از عربی با ۱۲۶٫۵٪ افزایش قرار داد؛ و این در حالی است که در طول دوره مشابه رشد زبان چینی ۵۱٪ بوده است (تاجیک، ۱۳۸۹).

با این وجود در زمینه تقویت نفوذ دیپلماسی عمومی ایالات متحده در دیدگاه مردم ایران رفته رفته ظهور برنامه‌هایی به زبان فارسی رو به گسترش است. که در همین راستا و در چارچوب دیپلماسی عمومی با رویکرد «دولت با مردم» در اواخر دولت بوش و انتصاب گلی عامری به‌عنوان مدیرکل آموزشی و فرهنگی وزارت خارجه آمریکا وب‌سایتی دوزبانه فارسی-انگلیسی تحت نام «آموزش آمریکا ایران» راه‌اندازی و اقدام به اطلاع‌رسانی جامع و عمومی در راستای مهاجرت تحصیلی نخبگان به آمریکا کرد؛ و این علاوه بر نسخه فارسی وب‌سایت رسمی وزارت خارجه آمریکا با عنوان پل اطلاعاتی آمریکا-ایران ([www.usinfo.state.gov](http://www.usinfo.state.gov)) است که اخیراً با ظاهری جدیدتر و تعاملی‌تر (و حرکت به سمت رویکرد «مردم با دولت») با عنوان داستان آمریکا با آدرسی جدید ([www.America.gov](http://www.America.gov)) ادامه مأموریت می‌دهد.

### ۳-۱. روش‌های جذب دانشگاهیان ایرانی

#### الف. مبادلات آموزشی

علی‌رغم تیرگی روابط میان ایران و آمریکا، دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا برای جوانان ایرانی جذابیت دارد. ایران از جمله کشورهایی است که بیشترین دانشجویان را در آمریکا دارد. بطوری که در سال تحصیلی منتهی به انقلاب اسلامی، با پنجاه و یک هزار



دانشجو، بیشترین تعداد دانشجویان خارجی در آمریکا را ایرانیان تشکیل می‌دادند. البته این تعداد با قطع روابط سیاسی پس از انقلاب اسلامی سیر نزولی به خود گرفت. نتایج بررسی مشترک موسسه آموزش بین‌المللی و موسسه آموزشی و فرهنگی آمریکا، وابسته به وزارت آموزش ایالات متحده، نشان می‌دهد، در سال ۲۰۱۳ بیش از ۱۰ تا ۱۶ هزار دانشجوی ایرانی در این کشور مشغول به تحصیل بودند. اما نکته حائز اهمیت، افزایش تعداد دانشجویان ایرانی در سال ۲۰۱۳ است. به طوری که، تعداد دانشجویان ایرانی در این کشور، در مقایسه با سال تحصیلی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲، بیش از ۲۵ درصد افزایش یافته است. رقمی که ایران را در کنار کشورهای عربستان سعودی با ۳۱ درصد افزایش، کویت با ۳۷ درصد افزایش، چین با ۲۱ درصد افزایش و برزیل با ۲۰ درصد افزایش، در ردیف کشورهای قرار می‌دهد که در سال ۲۰۱۳ بیشترین افزایش میزان دانشجو در این کشور را داشته‌اند. اما در مجموع، کشورهای چین با ۲۹ درصد، هند با ۱۲ درصد، کره جنوبی با ۹ درصد، عربستان سعودی با پنج درصد و کانادا با سه درصد بیشترین سهم از دانشجویان خارجی در این کشور را دارند و سهم باقی ۴۲ درصد است. سیاست «درهای باز» آمریکا برای جذب دانشجویان خارجی، وضعیت آموزش عالی این کشور را به جایی رسانده که در سال ۲۰۱۳ بیش از ۸۱۹ هزار و ۹۴۴ دانشجوی خارجی در آمریکا مشغول به تحصیل هستند (سیاست درهای باز و تبادلات آموزشی، ۱۳۹۰).

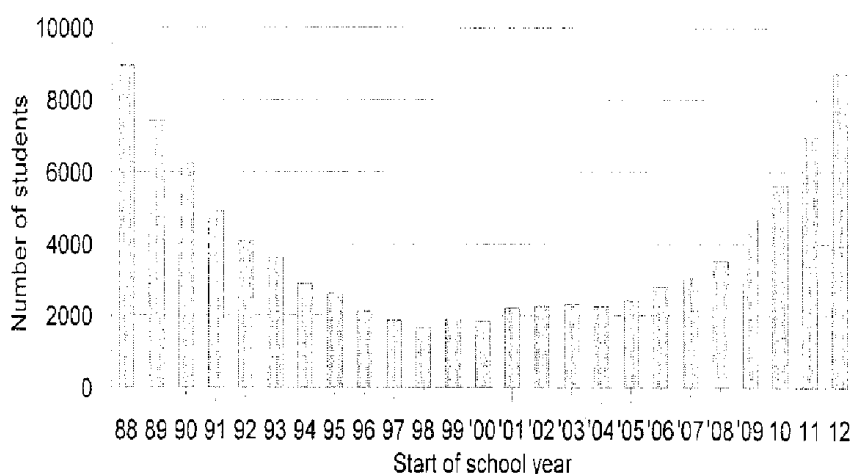
در سال تحصیلی ۲۰۱۴/۲۰۱۵ نیز تعداد دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های آمریکا به رقم ۱۱۳۳۸ نفر رسید که در مقایسه با سال تحصیلی قبل بیش از ۱۱ درصد رشد را نشان می‌دهد (Open Doors, 2015).

جدول ۱: تعداد دانشجویان کشورهای خاورمیانه در ایالات متحده آمریکا

Based on data from Open Doors 2014, IIE [i]			
Country of origin	2014/13	2012/13	% change
Saudi Arabia	53,919	44,566	+21%
Iran	10,194	8,744	+17%
Kuwait	7,288	5,115	+43%
United Arab Emirates	2,784	2,256	+23%
Israel	2,457	2,430	+1%
Jordan	2,148	2,109	+2%
Iraq	1,491	1,074	+39%
Oman	1,504	980	+54%
Lebanon	1,367	1,266	+8%
Qatar	1,191	994	+20%
Syria	693	505	+37%
Bahrain	467	459	+2%
Yemen	440	353	+25%
Palestinian Territories	429	319	+35%
<b>Total</b>	<b>86,372</b>	<b>71,170</b>	<b>+21%</b>

در میان کشورهای خاورمیانه تنها عربستان سعودی تعداد دانشجویانی بیش از این رقم در آمریکا دارد. این در حالی است که دانشجویان ایرانی برای اخذ روادید باید فرایند سختی را گذرانده و به یک کشور ثالث سفر کنند. فرایند تأثیرگذاری فرهنگی به شکلی بوده است که ۸۹٪ دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در آمریکا تمایل به ماندن در این کشور پس از فارغ التحصیلی را داشته‌اند. (Iranian Students in the US, 2014)

## Iranian students in US



نمودار ۱: تعداد دانشجویان ایرانی در ایالات متحده آمریکا

بر همین اساس برنامه آموزشی ایالات متحده تلاش بسیاری برای جذب دانشجو از سراسر دنیا به آمریکا انجام می‌دهد. به نظر می‌رسد این قبیل اقدامات محور اصلی مفهوم قدرت نرم مدنظر جوزف نای است که به اهداف خود بدون جنگ و از طریق جاذبه خواهد رسید. دولت آمریکا در پی آن است تا با گسترش برنامه‌های فرهنگی و دیپلماسی خود با مخاطبین جوان ارتباط برقرار کرده و پلی با رهبران آینده ایران بسازد. (دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، ۱۳۹۳) این کشش در میان برخی از دانشگاهیان ایالات متحده نیز دیده می‌شود. در اعتراض به درخواست برای تحریم‌های علمی و آکادمیک ایران از سوی برخی از محافل دانشگاهی ایالات متحده، برخی دیگر از اساتید دانشگاه‌های این کشور خواهان پی گیری دیپلماسی آکادمیک با ایران شده‌اند. «ویلیام برکه وایت» استادیار دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا و مدیر پروژه امنیت ملی ترومن و «ویلیام کولکر» معاون آموزشی و برنامه‌های بین‌المللی این دانشکده در گزارشی که در این باره در روزنامه هیوستون کرونیکل به رشته تحریر در آورده‌اند نوشته‌اند: «برخی از دانشگاهیان آمریکایی خواهان بایکوت مبادلات دانشگاهی با ایران تا آزادی برخی از اتباع آمریکایی بازداشت

شده در این کشور هستند، اما چنین تحریمی نفوذ آمریکا را در ایران کاهش خواهد داد.» این دو که اخیراً به ایران سفر کرده‌اند در ادامه می‌نویسند: بهترین چشم‌انداز برای بهبود و حل مشکلات آمریکا با ایران جوانان هستند که احتمالاً وارث قدرت در آینده خواهند بود و امروزه از فرصتی مهم برای نفوذ بر آن‌ها برخوردار هستیم (دانشگاهیان آمریکایی خواستار دیپلماسی آکادمیک آمریکا با ایران شدند، ۱۳۸۶). گروه دیگری از دانشگاهیان آمریکایی که در خرداد ماه ۹۴ به ایران سفر نموده بودند با اشاره به استقبال اساتید و دانشجویان ایرانی اذعان داشتند ایرانی‌ها و دولت ایران مشتاق‌اند همکاری‌های علمی و دانشگاهی کشورشان با آمریکا توسعه یابد اما مشکل اصلی در این رابطه محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت آمریکا است. کن هالند رییس مرکز توسعه بین‌المللی دانشگاه دولتی بال (BSU) در این سفر بیان داشت: در طی بازدید از ایران متوجه شدم هیچ دانشجوی آمریکایی در دانشگاه‌های ایران تحصیل نمی‌کند در حالی که ایرانی‌ها مایل‌اند امکان تبادل دانشجو و استاد بین دانشگاه‌های دو کشور برقرار باشد (تاجیک، ۱۳۸۹). هالند گفت حسن روحانی رییس جمهوری ایران در نخستین حضور و سخنرانی خود در مجمع عمومی ملل متحد در سال ۲۰۱۳ از عادی‌سازی روابط با آمریکا استقبال کرد و گفت یکی از روش‌های مقدماتی در این راه همکاری‌های آموزشی و دانشگاهی و تبادل اساتید و هیئت‌علمی و دانشجویان است. او افزود اشتیاق زیادی در طرف ایرانی برای توسعه همکاری‌های آموزشی و علمی با دانشگاه‌های آمریکا از جمله توسعه بورس‌های تحصیلی و فرصت‌های مطالعاتی بین دانشگاه‌های دو کشور دیده می‌شود. (دیپلماسی ایرانی: ۱۳۹۴/۳/۳۰)

جدول ۲: مقایسه رده بندی ده کشور نخست دانشجو فرست به آمریکا در سه دوره زمانی

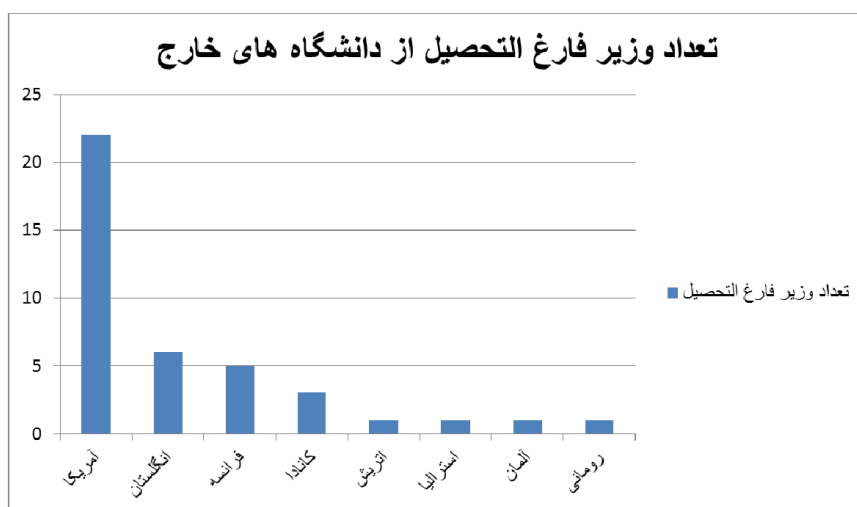
SY 1949-50			SY 1979-80			SY 2014-15		
Country	Number	Share (%)	Country	Number	Share (%)	Country	Number	Share (%)
<b>Total</b>	<b>26,400</b>	<b>100.0</b>	<b>Total</b>	<b>286,000</b>	<b>100.0</b>	<b>Total</b>	<b>975,000</b>	<b>100.0</b>
Canada	4,400	16.5	Iran	51,000	17.9	China	304,000	31.2
Taiwan	3,600	13.8	Taiwan	18,000	6.1	India	133,000	13.6
India	1,400	5.1	Nigeria	16,000	5.7	South Korea	64,000	6.5
United Kingdom	800	3.1	Canada	15,000	5.3	Saudi Arabia	60,000	6.1
Mexico	800	3.1	Japan	12,000	4.3	Canada	27,000	2.8
Cuba	700	2.8	Hong Kong	10,000	3.5	Brazil	24,000	2.4
Philippines	700	2.7	Venezuela	10,000	3.4	Taiwan	21,000	2.2
Germany	700	2.5	Saudi Arabia	10,000	3.3	Japan	19,000	2.0
Colombia	600	2.2	India	9,000	3.1	Vietnam	19,000	1.9
Iran	600	2.2	Thailand	7,000	2.3	Mexico	17,000	1.7
Other countries	12,100	46.0	Other countries	129,000	45.1	Other countries	288,000	29.5

«توماس فریدمن» روزنامه‌نگار مطرح آمریکایی در سال ۲۰۰۶ می‌نویسد: «لازم نیست آمریکا به ایران، لشکرکشی کند؛ بلکه باید روابط خود را با ایران، گسترش دهد و در اولین گام، پنجاه‌هزار بورس تحصیلی به نخبگان و جوانان ایرانی برای تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا بدهد. فقط این کار را بکند و بعد بنشیند و شاهد خروش شکفت‌آورترین بحث‌ها در داخل ایران باشد. می‌توانید بر سر آن شرط‌بندی کنید.» (خبرگزاری دانشجویان: ۱۳۹۵/۱/۷)

### ب. صدور آموزش عالی آمریکا

یکی از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی آمریکا در منطقه، مبحث آموزش است. به‌عنوان نمونه در مواجهه با جهان اسلام دولت آمریکا معتقد است که اصلاح تفکر و شیوه نگرش مسلمانان و مخصوصاً نسل جوان منطقه نسبت به غرب در کاهش موج آمریکاستیزی و گرایش هر چه بیشتر به اهداف و منافع آمریکا در منطقه بسیار مؤثر می‌باشد. در گزارش کمیته مشورتی دیپلماسی عمومی وزارت خارجه آمریکا که در اکتبر ۲۰۰۳ به کنگره آن کشور ارائه شد، اعضای این کمیته معتقد بودند که سرمایه‌گذاری در امر آموزش مردم منطقه و به‌خصوص جوانان از طرق گوناگون، از جمله توسعه و گسترش شعب دانشگاه‌های آمریکایی در منطقه، به ایجاد نگرش مثبت نسبت به آمریکا در منطقه کمک زیادی می‌کند دانشگاه‌های آمریکایی که به‌طور مستقیم در کشورهای منطقه تأسیس شده و یا شعبی از دانشگاه‌های مبدأ به شمار می‌روند، همانند دانشگاه آمریکایی لبنان، دانشگاه آمریکایی قاهره، دانشگاه‌های آمریکایی حوزه کشورهای خلیج فارس مانند قطر، امارات، بحرین و کویت، نقش مهمی را در امر آموزش و ارائه الگوی سبک زندگی، فرهنگ و جامعه آمریکا در منطقه ایفا می‌نمایند. از آنجا که اقبال به این دانشگاه‌ها در سطح منطقه زیاد می‌باشد، برای مثال دانشگاه‌های آمریکایی لبنان و مصر در سال ۲۰۰۳ حدود شش هزار دانشجو داشته‌اند، از ابزارهای مهم دیپلماسی فرهنگی آمریکا در منطقه به شمار می‌روند. این قبیل برنامه‌های آموزشی تأثیر بسیار زیادی برای آمریکا داشته است. بسیاری از رهبران و مقامات کشورهای جهان اسلام در دانشگاه‌های آمریکایی تحصیل کرده‌اند. در مجموع وزارت خارجه آمریکا، فهرستی از نزدیک به ۳۰۰ رهبر کنونی و سابق جهان که موسسات آمریکایی را انتخاب کرده‌اند، جمع‌آوری کرده است. روندی که به گفته

تحلیل گران، موضع آمریکا را به عنوان رهبر جهان در آموزش عالی تقویت کرده و در عین حال تمایل و در بیشتر موارد نیاز این شخصیت‌ها را به آشنایی با آمریکا، سیاست‌ها و فرهنگش نشان می‌دهد. آمریکا در پذیرش دانشجویان از همه کشورهای دیگر بازتر عمل کرده است (واشنگتن تایمز: ۲۰۱۲/۸/۱۹). در مورد ایران نیز، بیشتر وزیران جمهوری اسلامی که در خارج از کشور ادامه‌ی تحصیل داده‌اند، دانشگاه‌های آمریکا را به‌عنوان مقصد خود انتخاب کرده‌اند به‌طوری که ۲۲ نفر از میان ۴۰ وزیری که فارغ‌التحصیل خارج از کشور بوده‌اند، در دانشگاه‌های آمریکا درس خوانده‌اند. بعد از ایالت متحده آمریکا، انگلستان و فرانسه هر کدام با ۶ و ۵ وزیر فارغ‌التحصیل بیشترین آمارها را دارند و پس از این دو، دانشگاه‌های کشورهای کانادا، اتریش، استرالیا، آلمان و رومانی نیز تعدادی فارغ‌التحصیل را روانه ایران کرد که بعداً به‌عنوان وزیر شناخته شدند. (ابوالحسنی، ۱۳۹۲)



نمودار ۲: تعداد وزرای فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های خارج از کشور پس از انقلاب اسلامی

در سال‌های اخیر تعدادی از دانشگاه‌های صاحب‌نام آمریکایی در کشورهای مختلف اقدام به تأسیس شعبات رسمی نموده‌اند تا بلکه منبع درآمدی و حرکتی به‌سوی سرمایه‌گذاری‌های جدید برای این مؤسسات باشد. از این نمونه می‌توان به دانشگاه‌های زیر اشاره کرد:

قطر: کالج پزشکی ویل کرنل در قطر، دانشگاه تگزاس، دانشگاه جرج تاون، دانشگاه نورث وسترن، دانشگاه کامن ولث ویرجینیا و دانشگاه کارنگی ملون؛ ابوظبی: دانشگاه نیویورک؛ دوی: دانشگاه مونتانا، دانشگاه ایالتی میشیگان و مؤسسه فناوری روچستر؛ رأس الخیمه: دانشگاه جرج میسون؛ چین، هند، سنگاپور، آفریقای جنوبی، ایتالیا و فرانسه: مؤسسه فناوری جرجیا؛ اسرائیل و سنگاپور: دانشگاه نیویورک؛ کرواسی و کورزوو: مؤسسه فناوری روچستر و دانشگاه آمریکن؛ عربستان سعودی: دانشگاه علم و صنعت ملک عبدالله در ساخت و الگوبرداری آموزشی خود از کمک‌های دانشگاه استنفورد، دانشگاه برکلی و دانشگاه تگزاس در استین استفاده کرده است.

این مناسبات دانشگاهی را می‌توان در ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز مشاهده نمود. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۳۴۵ دانشگاه پهلوی شیراز-نخستین دانشگاه مشترک آمریکا و ایران- تأسیس می‌شود که در واقع می‌توان گفت دانشگاه پهلوی، شعبه‌ای از دانشگاه پنسیلوانیا بوده است. چرا که نظام درسی، واحدهای درسی، کتب، استادان مدعو، همه از آن دانشگاه تدارک دیده می‌شد؛ و نیز تأسیس مرکز مطالعات مدیریت ایران-نخستین شعبه دانشگاه هاروارد- از اقدامات بعدی بود که صورت گرفت. می‌توان گفت این دانشگاه فقط از لحاظ مکانی و جغرافیایی در ایران بوده است، اما در بقیه موارد از قبیل نظام درسی، آموزشی، اداری و سرمایه و مدرک، تمام‌عیار مرتبط با خارج بود (شرف زاده، ۱۳۸۳: ۹۷).

در اواخر دهه ۱۹۴۰م/۱۳۱۸ه.ش میلادی ساختار درسی و پژوهشی دانشگاه تهران رفته رفته به سمت الگوبرداری از سیستم دانشگاه‌های آمریکایی شروع به حرکت نمود. بطور نمونه دانشکده کشاورزی این دانشگاه به کمک دانشگاه یوتا توسعه و گسترش یافت. در سال ۱۹۵۴م/۱۳۳۲ه.ش مؤسسه علوم اداری دانشگاه (دانشکده مدیریت کنونی) به کمک دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و به ریاست دکتر هری مارلو از این دانشگاه آغاز به ارائه مدارج دکترا نمود. در سال ۱۹۵۸م/۱۳۳۶ه.ش مؤسسه روزنامه نگاری دانشگاه تهران به کمک دانشگاه ویرجینیا و دکتر جیمز ولارد آغاز به کار نمود. دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا بود که در سال ۱۹۶۵ رشته دکترای بیماری‌های سلولی (Cytopathology) را در دانشگاه تهران راه اندازی نمود. از نمونه‌های بارز دیگر روابط آکادمیک ایران و آمریکا، دانشگاه صنعتی آریامهر (دانشگاه صنعتی شریف فعلی) بود که مستقیماً بر اساس دانشگاه ام.

آی. تی. در آمریکا الگوبرداری گردید. سید حسین نصر، ریاست دانشگاه آریامهر، خود دانش آموخته ام آی تی بود. (رهبری: ۳۰ آبان ۱۳۹۴). روابط فیما بین علمی-فرهنگی ایران و آمریکا در دانشگاه جندی شاپور اهواز نیز به حدی گسترده بود که در آستانه انقلاب اسلامی دست کم ۳۰ استاد آمریکایی در این موسسه مشغول تدریس بودند. همچنین دانشگاه مازندران با الگوبرداری از دانشگاه هاروارد، دانشگاه تربیت معلم تهران با الگوبرداری از دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس (UCLA)، دانشگاه فردوسی مشهد با الگوبرداری از دانشگاه جرج تاون و مرکز مطالعات مدیریت (دانشگاه امام صادق(ع)) با الگوبرداری از دانشگاه هاروارد شکل گرفتند. در سال ۱۹۷۶م/۱۳۵۴ه.ش، یعنی در اواخر دوره پهلوی، کشور ایران در میان کشورهای جهان، با ۲۰،۰۰۰ دانشجوی بیشترین تعداد دانشجوی خارجی در دانشگاه‌های آمریکایی را دارا و مشغول به تحصیل داشت و دست کم ۵۹ دانشگاه آمریکایی در توسعه و یا تاسیس آموزش عالی در ایران فعالیت داشتند (رهبری: ۳۰ آبان ۱۳۹۴).

بررسی جالبی در رابطه با دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه آمریکایی قاهره - هردو غیردولتی - نشان می‌دهد که هر دو این دانشگاه‌ها، به‌رغم شرایط متلاطم جوامع میزبان، در عین حال که در پیشبرد اهداف اجتماعی لیبرال و سکولار خود و نیز آموزش خصوصی، موفق بوده‌اند، در وجوه ناخوشایند سیاست خارجی آمریکا سهمی نداشته‌اند (نای، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

### ج. برگزاری سمینارها و بازدیدهای علمی

کنفرانس‌های علمی یکی از شیوه‌های ارائه جایگاه علمی شرکت‌کنندگان و به تبع آن کشور متبوع آنان است. حضور محققین، پژوهشگران و دانشگاهیان یک کشور در سمینارها، همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی بین‌المللی و نیز میزبانی این گونه برنامه‌ها در داخل و دعوت از دانشگاهیان و پژوهشگران خارجی، زمینه‌ساز گفت‌وگو و تعامل رو در رو میان قشر فرهیخته و تأثیرگذار کشور میزبان و میهمان خواهد شد و این فضا به رفع سوء تفاهمات و سوء برداشت‌های غیرواقعی دو طرف منجر خواهد شد. ایالات متحده آمریکا در زمره کشورهایی است که بیشترین کنفرانس‌های علمی را میزبانی می‌کند و سالانه هزاران نفر از اقشار تحصیل کرده جهت شرکت در این برنامه‌ها به آمریکا سفر می‌کنند. آنچه حائز



اهمیت است زمان‌های اضافی است که قبل یا پس از برگزاری این گونه کنفرانس‌ها برای شرکت‌کنندگان در نظر می‌گیرند. در این زمان‌ها برنامه‌های جانبی چون بازدید از اماکن تاریخی و جاذبه‌های گردشگری کشور میزبان، دیدار با فرهیختگان و شخصیت‌های مشهور و ... جهت شناخت فرهنگی و زدودن تصویر نادرست از کشور میزبان تدارک دیده می‌شود.

همچنین در مورد بازدیدهای مقامات بلندپایه، دیدار با دانشگاهیان و اعطای درجه و نشان افتخاری توسط آن دانشگاه در افزایش قدرت نرم کشور میزبان حائز اهمیت است. یکی از ضمایم برنامه‌های دیدار سران دولت‌ها، اعطای یک مدرک تحصیلی افتخاری از سوی یکی از دانشگاه‌های آمریکایی است؛ اگرچه این امر به‌طور کلی خارج از کانال‌های وزارت امور خارجه سازمان‌دهی می‌شود. برای مثال رییس‌جمهور کره جنوبی «رو» در حاشیه دیدار خود از آمریکا، چنین مدرکی را از دانشگاه جرج واشنگتن (GWU) دریافت کرد. موردی که در آن نمایش عمومی حداقلی در ایالات متحده ارائه می‌شد و تصویری حداکثری از وجهه بین‌المللی در داخل کشور عرضه می‌گشت. اعطای مدرک از سوی دانشگاه جرج واشنگتن به‌ویژه برای رییس‌جمهور ارزشی خاص داشت چرا که این دانشگاه در کره به‌عنوان دانشگاهی معتبر شناخته می‌شد. این مسئله به میزان زیادی ناشی از این واقعیت است که اولین رییس‌جمهور کره - سینگمان رهی - در دانشگاه جرج واشنگتن تحصیل کرده و برای بسیاری از رهبران تجاری کره امروزه از این دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند. بنابراین اعطای مدرک افتخاری از سوی دانشگاه جرج واشنگتن ارزشی خاص در ذهنیت کره‌ای‌ها داشته است (مانهایم، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

### ۲-۳. دیپلماسی علم و فناوری

موضوع اصلی دیپلماسی علمی، استفاده از ظرفیت‌های علم و فناوری برای تحقق اهداف سیاست خارجی و همین‌طور استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی برای پیشبرد علم و فناوری دانست. همکاری‌های علمی به عنوان بخشی از دیپلماسی فرهنگی تعریف می‌شود که در آن روابط مثبت علمی با شرکت‌ها و جوامع خارجی است. دو دولت اخیر ایالات متحده علاقه زیادی نسبت به توسعه برنامه‌های جدید در راستای این قبیل همکاری از خود نشان داده‌اند. تنظیم برنامه‌های دیپلماسی علمی باوجود تنش‌های فعلی ایران و امریکا دشوار

است. با این حال از آنجایی که علم یک زبان جهانی است، دیپلماسی علمی می‌تواند راهی برای اثرگذاری مثبت و افزایش گفت‌وگو باشد. در سال ۲۰۰۹ دولت اوپاما صندوق علمی و فن‌آوری را به منظور افزایش مشارکت با کشورهای با اکثریت مسلمان ایجاد کرد. برنامه‌های علمی آمریکا تاکنون دانشمندان را به بیش از ۲۰ کشور اعزام داشته که ایران در این فهرست نیست. چنین اقداماتی دیپلماسی علمی را تبدیل به یک مسئله مهم در امر سیاست‌گذاری خارجی دانسته‌اند. با وجود دشواری‌های پیش رو همکاری‌های علمی میان ایالات متحده و ایران در طی دو دهه گذشته افزایش داشته است. انجمن آمریکایی توسعه علم (AAAS) نقش مهمی در این میان ایفا کرده است. آکادمی ملی علوم، موسسه ملی سلامت نیز با همکاری وزارت خارجه چندین پروژه را اجرا نموده‌اند. اغلب آن‌ها بر بخش سلامت تمرکز دارند. بخشی که ایرانی‌ها سابقه طولانی در تحقیقات خصوصاً در حوزه بیومدیسین، علوم اعصاب و پزشکی از راه دور دارند. برنامه‌های کوتاه‌مدت مبادلاتی میان دانشمندان ایرانی و آمریکایی نیز وجود دارد. اما یک استراتژی کلان که مؤسسات مختلف این حوزه را به یکدیگر مرتبط سازد وجود ندارد (دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران، ۱۳۹۳)

#### ۴. نتیجه‌گیری

بکارگیری ابزارهای آکادمیک در پیشبرد قدرت نرم توسط کشورهای پیشرو، امری مهم تلقی می‌شود. ایالات متحده آمریکا مهمترین کشور جهان است که بخوبی توانسته است از این ظرفیت در دیپلماسی فرهنگی و افزایش قدرت نرم خود بهره‌بردار شود. به عقیده نای وسیع‌ترین عرصه دیپلماسی عمومی و فرهنگی، توسعه ارتباطات پایدار با عناصری کلیدی است - طی سال‌ها یا حتی دهه‌ها، از طریق اعطای بورس، مبادلات دانشگاهی، برنامه‌های آموزشی، سمینارها، کنفرانس‌ها و مجاری رسانه‌ای حدود هفتصد هزار نفر طی سالیان دراز در تبادلات فرهنگی و علمی آمریکا حضور داشته‌اند - مبادلاتی که به آموزش رهبرانی جهانی مانند انور سادات، هلموت اشمیت و مارگارت تاچر کمک نموده است. این کشور از طریق برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی مانند تبادلات دانشجویی و بورسیه‌های تحصیلی، پروژه‌های بین‌المللی آموزشی برای دیدارکنندگان خارجی، برنامه‌های سخنرانی، بازدیدهای ترتیب داده شده برای خبرنگاران، توسعه زبان انگلیسی و ... در حال انتقال

ارزش‌ها و باورهای اخلاقی‌اش می‌باشد. در این زمینه، ایالات متحده آمریکا، دو مزیت مهم دارد؛ یکی زبان انگلیسی و دیگری کیفیت نظام آموزش عالی. تازه‌ترین آمار یونسکو از تعداد دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های دنیا نشان می‌دهد که این کشور، مقصد اصلی دانشجویان جهان به شمار می‌رود. این کشور برای گسترش دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه‌ای خود مبادرت به یک رشته نهادسازی، تصویب قوانین، آموزش، توجیه و تفاهم و مبادلات فرهنگی و علمی نموده است که سابقه اولیه همه آنها به شکل جدید و نهادینه به هفتادوپنج سال پیش بازمی‌گردد. در طی این سالها (از ۱۹۴۰ تا ۲۰۱۵ میلادی) نهادهایی نظیر اداره اطلاعات جنگ، آژانس اطلاع‌رسانی آمریکا، آژانس ارتباطات بین‌المللی آمریکا، اداره روابط آموزشی و فرهنگی، اداره اطلاعات بین‌المللی و امور فرهنگی، اداره اطلاعات بین‌المللی و مبادله آموزشی، برنامه بین‌المللی دیدار کننده، دفتر مشاوره علم و فناوری، شورای دیپلماسی آمریکا و خدمات اطلاعات ایالات متحده تاسیس شدند. ماموریت اصلی این نهادها «پیشبرد فهم بهتر از ایالات متحده در دیگر کشورها و افزایش درک متقابل... و نفوذ در مخاطبان خارجی» بوده است.

برنامه‌های آموزشی و همچنین برنامه‌های تبادل فرهنگی که میان آمریکا و سایر کشورها جریان دارد، در جذب تعداد زیادی از نخبگان و هیئت حاکمه کشورهای جهان، برای شرکت در این برنامه‌ها و برنامه‌های آشنایی با شیوه و سبک زندگی آمریکائیان تأثیرگذار بوده است. تبادلات جاری در حوزه‌های دانشجویی و ریاستی اثر مستقیمی بر سیاست‌گذاران جهان دارد. چهل‌وشش نفر از روسای کنونی و صدوشصت و پنج نفر از روسای سابق دولت‌ها تحصیلات عالی خود را در دانشگاه‌های آمریکا گذرانده‌اند. البته همه تقریباً هفتصدوپنجاه هزار دانشجوی خارجی که سالانه به آمریکا می‌آیند، جذب کشورشان نمی‌شوند، اما اکثریت عمده‌ای از آنها راه بازگشت را در پیش می‌گیرند. بنابر تحقیق انجام شده، این دانشجویان در شرایطی به کشورشان بازمی‌گردند که نگاهشان به کشور محل تحصیل و مردمی که با آنان تعامل داشته‌اند، مثبت است. درعین حال احتمال اینکه دانشجویانی دانش‌آموخته کشورهای دموکراتیک، مروج دموکراسی در کشور خودشان باشند نیز بالاتر است. بر همین اساس ایالات متحده از طریق دیپلماسی آکادمیک تلاش زیادی برای جذب دانشجویان از سراسر دنیا به آمریکا انجام می‌دهد. این شکل از اقدامات دال مرکزی مفهوم قدرت نرم مورد نظر جوزف نای است که اهداف خود را بدون جنگ و از

طریق جاذبه دنبال می‌کند. دولت ایالات متحده به دنبال آن است تا با گسترش برنامه‌های فرهنگی و دیپلماسی آکادمیک خود با مخاطبین جوان ارتباط برقرار کرده و پلی با رهبران آینده کشورها بویژه ایران ایجاد نماید.

با نگاهی به عملکرد دیپلماسی آکادمیک ایالات متحده آمریکا در ایران در طول دهه‌های گذشته، می‌توان دریافت که این کشور در تلاش برای ترویج ارزش‌ها و سبک زندگی امریکایی، پرورش طبقه متوسط متمایل به غرب، جهت دهی به دانش و دانشگاه‌ها و همچنین گسترش زبان انگلیسی به مثابه زبان علمی و ارتباطی بوده‌اند. این شیوه می‌تواند به عنوان تجربه‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران نیز به کار گرفته شود. نظام آموزش عالی ایران با اتکا به پیشینه غنی فرهنگی و علمی خود خواهد توانست در صورت فراهم نمودن ملزومات دیپلماسی آکادمیک، بر قدرت نرم کشور و ارائه تصویری مثبت از جمهوری اسلامی ایران گام‌های موثری بردارد.

### منابع:

۱. ابوالحسنی یکتا، امیر (۱۳۹۲). با لژیون‌های عرصه وزارت در دولت ایران آشنا شوید. برگرفته از وب سایت ایمنایمنا در تاریخ ۱۲ دی ۱۳۹۲ به آدرس اینترنتی:  
<http://www.imna.ir/fa/doc/report/130526>
۲. احدی، افسانه (۱۳۸۷)، دیپلماسی عمومی آمریکا. تهران: پژوهشنامه سیاست خارجی آمریکا.
۳. آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۳)، فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی، ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. شماره ۲۱، بهار.
۴. آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۴)، دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران؛ انجمن ایران و آمریکا، مطالعات تاریخی، پاییز، شماره ۹
۵. -آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۸)، بورس رهبران فولبرایت و نخبگان حاکم در دهه آخر دوران پهلوی. فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۴۳ و ۴۲
۶. آغاز دیپلماسی آموزشی واشنگتن - تهران (۱۳۹۴/۳/۳۰)، سایت دیپلماسی ایرانی به آدرس:  
<http://irdiplomacy.ir/fa/page/8587>
۷. امینی، آرمن (۱۳۹۱)، جهانی شدن فرهنگ و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی؛ فصلنامه راهبرد. شماره ۶۵، زمستان.
۸. باترفیلد رایان هنری (۱۳۹۲)، بخش راینزنی فرهنگی در آمریکا کجاست و چه می‌کند؟ هزینه‌هایی بالا برای هدف‌هایی مهم، ترجمه بابک اوجاچی، ماهنامه مدیریت ارتباطات. شماره ۴۴، زمستان.
۹. برنامه‌ای برای نفوذ: از فریدمن تا گودمن (۱۳۹۵/۱/۷) خبرگزاری دانشجو، به آدرس الکترونیکی:  
<http://www.snn.ir/mobile/mobiledetail/News/497454/67>
۱۰. پارمر ایندرجیت، کاکس میشل (۱۳۹۱)، قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا، ترجمه جواد علی پور، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۱۱. تاجیک، عباس (۱۳۸۹)، زبان فارسی و دیپلماسی عمومی آمریکا. برگرفته از وب سایت دیپلماسی ایرانی در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۸۹ به آدرس اینترنتی:  
<http://irdiplomacy.ir/fa/page/8587>
۱۲. حقیقی، رضا (۱۳۸۸)، دیپلماسی فرهنگی از دریچه نو اشاعه‌گرایی: تأثیر فناوری اطلاعات بر دیپلماسی فرهنگی؛ فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲، تابستان.
۱۳. خانی، محمدحسین (۱۳۸۴)، دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها. فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۱، شماره ۲، زمستان.

۱۴. خرازی محمد وندی آذر، زهرا (۱۳۸۸)، تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها. مجله مدیریت فرهنگی، شماره ششم، زمستان.
۱۵. خراسانی، رضا (۱۳۸۷)، جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۱، بهار.
۱۶. داد درویش، رضا (۱۳۸۴)، کتاب آمریکا؛ ویژه دیپلماسی عمومی آمریکا. تهران: موسسه ابرار معاصر.
۱۷. دانشگاهیان آمریکایی خولستار دیپلماسی آکادمیک آمریکا با ایران شدند (۱۳۸۶). برگرفته از وب سایت مشرق در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۸۶ به آدرس اینترنتی:  
<http://www.mehrnews.com/news/510934>
۱۸. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۹. دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران (۱۳۹۳). برگرفته از وب سایت مشرق در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ به آدرس اینترنتی:  
<http://www.mashreghnews.ir/news/301985/>
۲۰. رهبری، پیمان (۱۳۹۴/۸/۳۰)، جریان شناسی دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران. به آدرس اینترنتی:  
<http://www.modiryar.com/index-management/cultural/cultural-management/5319>
۲۱. سیاست درهای باز و تبادلات آموزشی (۱۳۹۰)، برگرفته از وب سایت تابناک در تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۰ به آدرس اینترنتی:  
<http://www.tabnak.ir/fa/news/699104/>
۲۲. شرف زاده بردر، محمد (۱۳۸۳)، انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های ایران. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲۳. عابدینی، محمدحسین (۱۳۸۴)، فعالیت‌های فرهنگی دولت‌های خارجی در آسیای مرکزی. ماهنامه ایراس، شماره ۴، پاییز.
۲۴. عبدالله، عبدالمطلب و محمدصادق بیگلری (۱۳۸۹)، جایگاه دیپلماسی فرهنگی - ارتباطی در سیاست خارجی ایالات متحده: برنامه‌ها و برنامه‌ریزان. فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۳.
۲۵. عزیزی بساطی، مصطفی (۱۳۹۱)، دیپلماسی عمومی آمریکا در خاورمیانه. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۲۶. علی پور جواد (۱۳۹۰)، نقش قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۷. فهیمی، فاطمه (۱۳۹۱). آشنایی با دفتر مشاوره علم و فناوری وزارت خارجه آمریکا. برگرفته از سایت دیپلماسی علم و فناوری در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۹۱ به آدرس اینترنتی: <http://www.techdiplomacy.ir/archives/458>
۲۸. قاسمی، محمد (۱۳۹۰)، نظریه پخش و دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در قرن ۲۱، فصلنامه پاسداری فرهنگی. شماره ۴، تابستان.
۲۹. قدیمی، اکرم (۱۳۹۲)، مطالعه و بررسی تطبیقی نقش دیپلماسی علم و فناوری در کشورهای جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، پاکستان، ترکیه، ژاپن، کوبا، مالزی، هند، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۳۰. مانهایم، یارول بی (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی راهبردی و سیاست خارجی آمریکا؛ گسترش نفوذ. ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۱. نای، جوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
۳۲. وحیدی، موسی الرضا (۱۳۸۹)، دیپلماسی در جهان در حال تحول. تهران: وزارت امور خارجه.
۳۳. یاساشوسی واتانامه، دیوید ال. مک کانل (۱۳۸۹)، آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده آمریکا. ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
34. Bellamy, C., & Weinberg, A. (2008). Educational and cultural exchanges to restore America's image. *Washington Quarterly*, 31(3), 55-68.
35. Dutta-Bergman, M. J. (2006). US public diplomacy in the Middle East: A critical cultural approach. *Journal of Communication Inquiry*, 30(2), 102-124.
36. <http://photos.state.gov/libraries/amgov/30145/publications-persian/EJ-college-1105fa.pdf>
37. Iranian Students in the United States, (2014). Available from: <http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/infographics/Infographic-Iranian-Students-in-the-United-States-Red-Tape-Iron-Nerve.png>

38. Joseph, Nye (2016), *Soft Power and Higher Education*, Harvard University: <https://net.educause.edu/ir/library/pdf/FFP0502S.pdf>
39. Mulcahy, K. V. (1999). Cultural diplomacy and the exchange programs: 1938–1978. *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 29(1), 7-28.
40. Nkosi, Milton (Jul 23, 2015), The airlift education scholarship that changed the world BBC News. See in: [www.bbc.com/news/world-africa-33629577](http://www.bbc.com/news/world-africa-33629577)
41. Open Doors, 2015. Available from: <http://www.iie.org/Research-and-Publications/Open-Doors/Data/Fact-Sheets-by-Country/2015#.V-KPATWmQqs>
42. Prachi Naik, (2012). *An Examination of the Fulbright Program; International Educational Exchange from a National Security Perspective*, AmericanSecurityProject, August
43. Ross, C. (2002). Public diplomacy comes of age. *Washington Quarterly*, 25(2), 73-83.
44. Ross, Cristopher, (2002). *Public Diplomacy Comes of Age*, The Washington Quarterly, Spring.
45. Saville-Troike, M., & Barto, K. (2016). *Introducing second language acquisition*. Cambridge University Press.
46. Stoddart, B. (2014). International Education: The Hard Edge of Soft Power. *Global Policy*, 5(4), 483-484.
47. Wolfgang, Ben (19/8/2012), Armed with U.S. education, many leaders take on world, *The Washington Times*.